

# ما را به کجا می برند؟

نگاهی نوبه تلویزیون از منظر شهید آوینی



وحید جهان تیغ

## تقديم

به

- برگزیده علي اعلى
- شفيعه محشر كبرى
- مهربانترين مادر دنيا
- ام الائمة النجبا
- شهیده راه ولايت
- حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها



## مقدمه

آمارها نشان می‌دهد که بیشتر مردم، بخش زیادی از وقتشان و بخش اعظم اوقات فراغتشان را در پای تلویزیون می‌گذرانند. تلویزیون دیگر بخش جدایی ناپذیر زندگی امروز شده است. در دورترین روستاها و محروم‌ترین و ثروتمندترین خانه‌ها انواع تلویزیون از ۱۴ اینچ گرفته تا ۴۲ اینچ و بزرگ‌تر را می‌توان دید. تلویزیون را در همه جا و همه حال می‌توان دید در شادی و غم، در عزا و عروسی، سر ناهار و شام، در مهمانی‌ها، شب هنگام و صبحگاهان. همه، آن را تماشا می‌کنند؛ از کودک گرفته تا نوجوان و جوان و پیر.

به لحاظ اهمیت و تأثیری که تلویزیون روی مردم و فرهنگ آنان داشته و دارد، همواره مورد توجه متفکرین بوده و هست. از میان متفکرین عصر حاضر که توجه خاصی به تلویزیون

داشته، شهید سید مرتضی آوینی است که به حق، مقام معظم رهبری او را "سید شهیدان اهل قلم" توصیف فرمودند.

او که خود می‌گوید "من بچه شاه عبدالعظیم هستم و در خانه‌ای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام که در هر سوراخش که سر می‌کردی به یک خانواده دیگر نیز بر می‌خوردی"، دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران بود. اما خود می‌گوید که هر چه آموخته‌ام از خارج دانشگاه بود.

با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفت. بعدها ضرورت‌های موجود رفته رفته او را به فیلمسازی برای جهاد سازندگی کشاند. سید شهیدان اهل قلم، آوینی، ۱۶۷ فیلم مستند برای تلویزیون ساخت که برخی از عناوین آن عبارتند از؛ مجموعه روایت فتح که نزدیک به هفتاد قسمت می‌باشد، مجموعه خان‌گزیده‌ها، مجموعه شش روز در ترکمن صحرا، مجموعه حقیقت، فتح خون، مرثیه، انقلاب سنگ و ...

شهید آوینی یک ترم نیز در دانشکده سینما تدریس کرد که چون مفاد مورد نظرش برای تدریس با طرح درس‌های دانشگاه همخوانی نداشت از ادامه تدریس در دانشگاه صرف نظر کرد. از او تاکنون با احتساب کتاب "حکومت فرزندانگان" ۱۳ کتاب چاپ شده است. او متفکری بود که درد دین داشت، به قول مرحوم مدد پور، شهید آوینی در روزگاری پا به عرصه وجود

گذاشت که متفکرترین متفکران اگر از روزنه‌های خودآگاهی تاریخی به حقیقتی نظری رسیده بودند اما از روزنه‌های پارسایی و دینداری بیگانه می‌نمودند.

او در روزگار خویش مظلوم بود، از طرفی روشنفکران غربزده او را به خاطر مقاله‌های محکم و استدلالی‌اش علیه تفکرشان دشمن می‌داشتند، از طرف دیگر هم، متحجران ظاهرگرا که ادعای طرفداری از هنر انقلابی داشتند، او را به خاطر تفکرش در باب سینما و هنر، سخت به باد انتقاد گرفته بودند و از هیچ تلاشی برای بدنام کردن سید مرتضی آوینی کوتاهی نمی‌کردند، اما او در راه دین و آرمان‌های انقلاب و اندیشه‌های حضرت روح الله ذره‌ای کوتاه نیامد.

او مانند بسیاری از آنان که ادعای حفظ دستاوردهای انقلاب و شهدا را داشتند و فقط به حرف و نظر بسنده می‌کردند، بسنده نکرد. او اهل عمل بود و به خاطر حفظ ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعد، هنگام فیلمبرداری از قتلگاه "فکه"، در میدان مین به شهادت رسید.

در تشییع پیکر آن شهید بزرگوار مقام معظم رهبری شرکت کرده و او را "سید شهیدان اهل قلم" توصیف کردند و فرمودند که "یادش غالباً با من است".

حضرت آیت الله جوادی آملی درباره "سید شهیدان اهل قلم آوینی" فرمودند: " برای همه راهیان کوی هنر و سوی ظفر ره آوردی چون ره توشه شهید فقید سید مرتضی آوینی آوردن است و جامه رسای هنر و پوشش پرنیای هنر پروری جز بر اندام کامل جامع سالکانی چون شهیدان شاهد برازنده نیست و قبای اطلسی هنر جز بر قامت راست قامتان تاریخ و بر تن ناقصان، قبای کمال به تر از هنر ندوخته‌اند!"<sup>۱</sup>

مجموعه حاضر دربرگیرنده حرف‌ها و دغدغه‌های سید شهیدان اهل قلم، آوینی، پیرامون تلویزیون می‌باشد. امید است که مورد عنایت حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نائیش مقام معظم رهبری قرار گیرد.

والسلام

۸۷/۳/۱۴ مصادف با نوزدهمین سالگرد ارتحال

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه

وحید جهان تیغ

تهران - شهری

### گزیده فرمایشات امام خمینی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیرامون تلویزیون

ما با تلویزیون مخالف نیستیم ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم.

۵۷/۱۱/۱۲



رادیو و تلویزیون باید دانشگاهی عمومی برای هدایت و تربیت مردم باشد. ۵۷/۱۲/۲۹



اهمیت رادیو تلویزیون بیشتر از همه است، این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است. دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های موضعی است، این یک دانشگاه عمومی است، یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است، این باید از آن عمل دانشگاه را، از آن به آن اندازه‌ای که می‌شود، استفاده کرد. باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام این‌ها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غربزدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد. این از همه چیزهایی که

در این دستگاه‌ها هست مهمتر است و این وظیفه دارد که با مردم، حکم معلم و شاگرد داشته باشد. اشخاص نویسنده، اشخاص گوینده، اشخاص فهیم، اشخاص مطلع در اینجا صحبت بکنند، فرصت به آن‌ها بدهند در اینجا صحبت بکنند. زیادند اشخاصی که پیشنهاد این معانی را می‌کنند، به این‌ها باید فرصت بدهند و آن‌ها صحبت بکنند. به جای آن چیزهایی که به درد ملت نمی‌خورد یا مضر به حال ملت است یک چیزهای مفید را به مردم بدهند و یک غذای مفیدی به مردم بدهند، مردم را تغذیه کنند به غذاهای صحیح، سالم.

۵۷/۱۲/۲۹



بنابراین رادیو تلویزیون از تمام رسانه‌هایی که هست حساستر است، رادیو تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد.

۵۸/۴/۲۸



دستگاه تلویزیون یا دستگاه رادیو آموزنده باید باشد، قدرت بدهد به جوان‌های ما، جوان‌های ما را نیرومند کند نباید دستگاه تلویزیون جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخوانند، جوان‌هایی که نیرومند هستند از نیرومندی آن‌ها را برگردانند به یک حال خمار و خلسه مثل همان تریاک و... موسیقی با تریاک فرق ندارد، تریاک یک جور خلسه می‌آورد این یک جور خلسه می‌آورد.

۵۸/۴/۳۰



رادیو و تلویزیون را تبدیلهش کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده، موسیقی را حذف کنید نترسید از اینکه به شما بگویند که کهنه پرست شدید. باشد ما کهنه پرستیم. از این نترسید.

همین کلمات نقشه است برای اینکه شماها را از کار جدی عقب بزنند. اینکه می‌گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشید، آن‌ها می‌روند از جای دیگر موسیقی را می‌گیرند، بگذار بگیرند از جاهای دیگر، شما عجلتاً آلوده نباشید، آن‌ها کم کم برمی‌گردند به اینجا. این عذر نیست که اگر موسیقی نباشد در رادیو، آن‌ها می‌روند از جای دیگر موسیقی می‌گیرند. حالا اگر جای دیگر می‌گیرند ما باید به آن‌ها موسیقی بدهیم!

۵۸/۴/۳۰



سرودهایی که مفید است، اشکال ندارد. از جمله سرودی که درباره آقای مطهری ساخته شده است اشکالی ندارد.

۵۹/۳/۲۵



ما باید جدیت کنیم که همانظوری که رأی دادیم به جمهوری اسلامی و اسم جمهوری اسلام الان در ایران است، محتوایش را اسلامی کنیم، یعنی رادیو تلویزیون که شما هستید اسلامی باشد، لغویات و لهویات و نمی‌دانم صورت‌های کذا نباشد. اصلاح باید بشود این‌ها.

۵۸/۶/۱۸

تلویزیون از همه مسائل تبلیغی و آلات تبلیغی حساستر است، برای این که هم گوش است و هم چشم. در چیزهای دیگر حتی رادیو فقط گوش استفاده می‌کند، در نمی‌دانم روزنامه‌ها و مطبوعات چشم از آن استفاده می‌کند، رادیو تلویزیون گوش است و چشم، آن هم نه به اینکه مثلاً تیراژش مثل روزنامه کذا، ده هزار، بیست هزار، صد هزار، یک میلیون باشد، همه مملکت

است، الان هم وضع جوری شده است که در دهات هم که می‌روید آن مرد دهاتی که شاید درست خرج عائله‌اش را نتواند ادا بکند، یک رادیو خریده است یا یک تلویزیون دارد. همه جا هست، یعنی این چیزی که در تلویزیون نشان داده می‌شود در همه سطح مملکت و در بیرون هم هر جا که موج‌ها باید بروند همه جا منتشر می‌شود. این حرفی که در رادیو گفته می‌شود و در رادیو تلویزیون گفته می‌شود، مال یک طایفه نیست، مال یک جمعیت نیست، مال یک مملکت نیست، همه جاست، همه قشرها هستند. ما اگر این دستگاه که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهی‌ها، آن چیزهایی که جوان‌های ما را به تباهی کشید و می‌کشد حذف بشود، به جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان‌های ما می‌خورد و جوان‌های ما را تربیت می‌کند، این باید یک همچو عضو حساس و یک همچو آلتی که همه جا و در همه قشرها این پا دارد، همه جا هست، حاضر است همه جا، الان اینجا هست اگر فردا هم مثلاً رادیو تلویزیون این حرف‌ها را بگوید، همه جا می‌شنوند، یک مطلبی است همه جایی، این اگر آموزنده باشد، همه ملت را برایش آموزندگی دارد و اگر خدای نخواستہ انحراف داشته باشد، همه ملت را به انحراف می‌کشد. ما می‌خواهیم که رادیو تلویزیونمان که پیشتر در خدمت طاغوت بود، حالا در خدمت خدا باشد، در خدمت اسلام باشد و اسلام می‌خواهد که همه مسائل جدی باشد، مسائل مملکتی مسائل جدی باشد، مسائل روحی مسائل جدی باشد، جد است در آن، حتی در این امور تفریحی هم در اسلام یک جوری است که باز در آن جد پیدا می‌شود.

۵۸/۶/۱۸

✽ ✽ ✽  
اگر مثلاً دستگاه تلویزیون، رادیو، اینها یک نقصی داشته باشد، این را دیگر نمی‌گویند رژیم طاغوتی کذا، این را می‌گویند که جمهوری اسلامی.

۵۸/۷/۱۴

✽ ✽ ✽  
اگر این دستگاه (رادیو و تلویزیون) اصلاح بشود، امید است یک مملکت اصلاح شود.

۵۸/۷/۲۹

✽ ✽ ✽  
الان شما موظفید که همه این کسانی که در این کارها هستند و رأس کار هستند در تلویزیون (البته بنگاه بزرگی است) مراقبت کنید که یک اشخاصی که متعهد باشند و به اسلام و معتقد به جمهوری اسلامی باشند و بدانند که جمهوری اسلامی یعنی چه.

۵۸/۷/۲۹

✽ ✽ ✽  
من کراراً به آقایانی که از رادیو تلویزیون اینجا آمدند تذکر دادم که این دستگاهی که شماها اداره می‌کنید حساسترین دستگاهی است که در این کشور است.

۵۸/۷/۲۹

✽ ✽ ✽  
بنابراین اصلاح این دستگاه‌ها، اصلاح جامعه است و فساد اگر در این دستگاه‌ها واقع بشود، فساد جامعه است. مسئولیت بسیار بزرگ است، مسئولیت شماها بسیار بزرگ است.

۵۸/۷/۲۹

✽ ✽ ✽

از اولی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد راجع به آن نگرانی داشتم، برای اینکه این سازمانی است که اگر خوب باشد مملکت ما خوب می‌شود و اگر فاسد باشد، ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند، از این جهت تذکراتی باید به شما بدهم.

۵۹/۲/۲۳

از این جهت این سازمان باید صد درصد به صورتی باشد که با نهضت اسلامی بسازد نه این که ما بگوئیم رادیو تلویزیون اسلامی هست ولی بینیم یک حرف‌هایی در آن می‌زنند که به اسلام و به انقلاب اسلامی لطمه وارد می‌آورد باید کاملاً توجه داشت که به هیچ وجه ما نباید مقلد شرق و غرب باشیم زیرا تقلید از شرق و غرب با رادیو تلویزیون اسلامی نمی‌سازد.

۵۹/۲/۲۳

من بارها گفته‌ام رادیو تلویزیون باید کاملاً مستقل باشد و باید استقلالش محفوظ باشد و هیچ کس در آن دخالت نکند. شما فقط در هرچه اسلامی شدن آن کوشش کنید تا مطابق با خواست مردم باشد.

۵۹/۲/۲۳

۵۹/۲/۳۱

۵۹/۲/۳۱

تلویزیون باید بنگاه تعلیمات اسلامی باشد.

باید رادیو و تلویزیون مربی مردم کشور باشد.

این رادیو و تلویزیون باید متحول و همچو باشد که جوان‌ها را طوری بار بیاورد که مستقل، دارای اراده و تصمیم باشد، نه پایبند آن مسائل شهوانی.

۵۹/۲/۳۱

فیلم‌هایی که در رادیو و تلویزیون نمایش داده می‌شود آموزنده باشد، فیلم‌هایی باشد ولو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد یا فیلم‌هایی که از خارج می‌آید درست تفتیش بشود که چنین نباشد. آنها ممکن است با شیطنت فیلم‌هایی را به ایران بفرستند که بخواهند جامعه ما را فاسد کنند.

۵۹/۲/۳۱

امروز نقش رادیو تلویزیون از همه دستگاه‌ها بالاتر است.

۶۰/۱۲/۲۷

تلویزیون و مطبوعات این وظیفه سنگین را به دوش کشند تا حق مظلومی ضایع نشود و شخصیتی بی‌دلیل خرد نگردد.

۶۳/۳/۷

از این وضع رادیو تلویزیون خوشم نمی‌آید. واقع آن است که آن قدر که پابره‌ها به رادیو تلویزیون حق دارند، ما نداریم. این یک واقعیت است و تعارف نیست، واقع این است که آنها این نظام را درست کرده‌اند و این نهضت را به وجود آوردند، همین جمعیت هستند که پیروزی‌ها را به دست آوردند، از قشر بالا کسی در این مسأله حقی ندارد. البته ما هم در اصل مطلب شرکت داشته‌ایم، اما حق با آنهاست.

۶۴/۵/۲۷

من همیشه از این رادیو-تلویزیون نگرانی داشته‌ام؛ برای این که این رادیو-تلویزیون یک بنگاهی است که از تمام این رسانه‌های گروهی مهمتر است.

۵۹/۲/۳۱



مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آن‌ها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند.

۶۷/۱۲/۳

فیلم‌های تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید به سوی بیخبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزش که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است.

۶۸/۳/۱۵

تلویزیون که شما هستید اسلامی باشد، لغویات و لهویات و نمی‌داند صورت‌های کذا نباشد. اصلاح باید بشود این‌ها.

۵۸/۶/۱۸

و البته فیلم‌ها، باید کسانی که فیلمسازند، باید معلوم بشود که این‌ها چه کاره‌اند، چه جور بوده‌اند، وضع روحی‌شان، وضع زندگیشان، وضع معاشرت‌هایشان.

۶۱/۵/۱۶

باید رادیو-تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت المال مسلمین است، باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین نیست، نشود، مسؤولیت دارد این‌ها.

۶۴/۶/۳

فیلم‌های منحرف کننده از اخلاق متعالی انسانی، ممنوع است.

۵۷/۸/۱۸

### گزیده فرمایشات مقام معظم رهبری پیرامون تلویزیون

رادیو و تلویزیون، یک دستگاه سرگرم کننده نیست، یک دستگاه آموزنده است.

۶۸/۹/۱۵



این نماهای تلویزیونی - عکس گنبد و بارگاه و مانند آن - که شماها برای فیلم‌ها درست می‌کنید و چیزی را از دور نشان می‌دهید. ارایه چنین چیزهایی از اسلام، یک چیز پوک پوچ کم مایه است که فقط یک زر و زیور دروغی، آن هم ظاهری و سطحی را نشان می‌دهد.

۶۹/۵/۷



صدا و سیما کوشش کند که مردم متدین بشوند.



حقیقت قضیه هم همان است. ما در رادیو و تلویزیون در جمهوری اسلامی در صدد چه هستیم این سؤالی است که باید به آن پاسخ بدهیم.

۷۰/۱۱/۷



من متأسفانه می‌بینم که فیلم‌های داخلی ما نقص‌های زیادی دارد و مهمترین نقصش در فیلمنامه‌هاست.

۷۰/۱۱/۷



ما هنرپیشه‌های خوبی داریم، کارگردان‌های خوبی داریم، صحنه آرایی‌ها خوب است، اما مضمون‌ها پوچ است و اصلاً مناسب با آن شکوه و اوج انقلاب و واقعیت‌های بسیار عمیق و

ظریف و زیبای جامعه ما نیست و آن پیچیدگی و عمق معارفی که در اختیار ماست، در آن‌ها دیده نمی‌شود!

۷۰/۱۱/۷



هدف صدا و سیما در جمهوری اسلامی چیست طبیعی است، تأثیر گذاشتن بر روی انسان‌ها، کشاندن آن‌ها به سمت آن انسانی که اسلام و پینش انقلابی اسلامی، آن را می‌خواهد بسازد و به وجود بیاورد.

۷۰/۱۱/۸



وقتی که رادیو و تلویزیون ساخته شد و از شرق و غرب دنیا، آدم‌ها با هم ارتباط پیدا کردند، عده‌ای از ساده لوح‌ها - شاید - خیال کردند که روزگار تحمیق انسان‌ها دیگر تمام شده است. اما افسوس، همان قدرتی که در طول تاریخ، پول را و قدرت و علم و همه‌ی ذخایر الهی در عالم وجود را به زیان بشر به کار برده است، این را هم به زیان بشریت به کار برد، و امروز هم دارند به کار می‌برند.

۷۲/۲/۱۸



نفی مصرف زدگی، عفت، احترام و ادب به والدین و به معلم این‌ها خلیات اخلاقی ماست. صدا و سیما خودش را متکفل گسترش این خلیات بداند. شما در هر برنامه‌ی که می‌سازید، در هر سریال تلویزیونی، در هر محاوره، در هر میزگرد، در هر گفتگوی تلفنی و در هر گزارش، متوجه باشید که این فضایل تقویت شود؛ این چیزها نقض و زیر پا انداخته نشود.

۸۳/۹/۱۱



راجع به امام جواد، امام هادی، امام عسکری، امام رضا و دیگر ائمه علیهم‌السلام مطالب خیلی خوبی نوشته شده است. بنده که عمرم را در این زمینه‌ها گذرانده‌ام، وقتی به این مطالب نگاه می‌کنم، استفاده می‌کنم و لذت می‌برم؛ چرا از این‌ها استفاده نمی‌شود؟ نوشته‌های خوب، تحقیقات خوب و مطالب شیوا و ایمان آور در این زمینه‌ها فراوان است. گاهی انسان برنامه‌ی را می‌بیند که شخصی با شد و مدّ و در قالب یا قطعه ادبی، فرضاً راجع به امام موسی بن جعفر علیه‌السلام حرف می‌زند که هیچ معنا ندارد. این گونه برنامه‌ها نه ایمان کسی را زیاد می‌کند، نه لذتی دارد و نه در آن، هنر نویسندگی - به معنای حقیقی کلمه - به کار رفته. چرا ما این برنامه‌ها را پخش می‌کنیم؟

۸۳/۹/۱۱



یکی از مسابقه‌ها، مسابقه‌ی تلفنی است. شخصی تماس می‌گیرد و به خاطر هیچی، به او جایزه می‌دهند! یک روز من دیدم در یک برنامه‌ی تلویزیونی پنج میلیون تومان به یک نفر جایزه دادند؛ برای این که به چند سؤال جواب داد! این سرگرمی خیلی جالبی نیست. پنج میلیون تومان، تقریباً حقوق دو سه سال یک کارمند متوسط است.

۸۳/۹/۱۱



زندگی تجملاتی نباید به هیچ وجه ترویج شود؛ بلکه باید تخریب شود و نقطه‌ی منفی به حساب بیاید. چرا بی خود تجمل‌گرایی رواج پیدا کند؟

۸۳/۹/۱۱



در کل زندگی جامعه، باید از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی نکنیم.

۸۳/۹/۱۱



در مقوله‌ی عدالت اجتماعی فیلم‌ها و سریال‌هایی ساخته می‌شود که غالباً خانه‌های مورد استفاده‌ی شخصیت‌های این فیلم‌ها اعیانی و اشرافی است! واقعاً وضع زندگی مردم ما این‌طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟! این کار چه لزومی دارد؟

۸۳/۹/۱۱

تبلیغات رسانه‌یی و گاهی تبلیغ‌های خیلی پُررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌یی که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است.

۸۳/۹/۱۱

فیلمی که به تهیه‌کننده داده‌اید تا برای شما بسازد و بیاورد، نظارت کنید چقدر از محتوا برخوردار است.

۸۳/۹/۱۱

تأثیر برنامه را در مخاطب در نظر بگیرید، نه فقط افزایش بیننده را.

۸۳/۹/۱۱

گاهی اوقات افزایش مخاطب به قیمتی است که نمی‌ارزد. آن‌ها جذب می‌شوند، اما به چه جذب شده‌اند؟ به چیزی که یا منفی است و یا خنثی. جذب مخاطب به هر قیمت؟

۸۳/۹/۱۱

اگر بناست فیلم یا برنامه‌یی پخش شود و تأثیر سوئی بگذارد، چه فرقی می‌کند که من پخش کنم یا رقیب من؛ در هر دو صورت بد است؛ پس چرا من پخش کنم؟ به نظر من این منطق مهمی است و باید به آن توجه داشت.

۸۳/۹/۱۱

الان هنرمند‌های انقلابی و خوبی در داخل کشور هستند که بعضی‌ها در رشته و کار خودشان بلاشک جزو برجسته‌هایند؛ اما صدا و سیما از این‌ها استفاده‌ای نمی‌کند؛ نمی‌دانم چرا؟

۸۳/۹/۱۱

بشدت توجه کنید که چهره‌پردازی‌های منفی و ناصالح در صدا و سیما انجام نگیرد. من گاهی دیده‌ام انسان‌هایی که هیچ ارزش علمی و هنری ندارند، در صدا و سیما با پول مردم چهره‌پردازی می‌شوند؛ چرا؟

۸۳/۹/۱۱

در صدا و سیما واقعاً برنامه‌هایی معیوب وجود دارد که باید هم اصلاح شود.

۷۵/۱/۲۳

فیلم و نمایشنامه ایرانی را از حوادث آشفته‌کننده و برانگیزاننده ذهن و حالت سوهان برای روح، خالی کنید. متأسفانه این کار صورت نمی‌گیرد و نمی‌دانم چرا!

۷۵/۱/۲۳

در برنامه‌ها از هر مسأله‌ای که موجب ایجاد غم، ناراحتی و بروز تشنج فکری و عصبی می‌شود باید پرهیز شود و برای دستیابی به این هدف اساسی، باید برنامه‌ریزی کرد.

۷۵/۱/۲۳

صدا و سیما باید نقاط زیبای انقلاب را در معرض چشم و گوش مردم قرار دهد و به عنوان یک دانشگاه اسلامی، اصول اسلام ناب محمدی شامل پیام‌ها، مبانی مفاهیم و درس‌های انسان ساز آن را تبیین و تشریح کند.

۶۹/۵/۷



آیا در زمینه‌ی انعکاس آن معارف ارزشی اسلامی - که من معتقدم در سینمای ما نشان زیادی از آن‌ها وجود ندارد - به آن سازنده‌ی فیلم، به آن کارگردان و حتی به آن بازیگر، کاری انجام گرفته و منعکس نشده است؟! من به خودم نگاه می‌کنم، به حوزه‌ی علمیه‌مان نگاه می‌کنم و به دستگاه‌های مدیریت فرهنگی‌مان نگاه می‌کنم، می‌بینم نه، ما در این زمینه کم کاری داشته‌ایم. بنابراین به قول معروف گفت:

گرچه بر دیگری قضا باشد

هر بلایی کز آسمان آید

خانه‌ی انوری کجا باشد

به زمین نارسیده می‌گویند

نمی‌شود رفت سراغ کارگردان و یقه‌ی او را گرفت که شما چرا؟ خوب، من یک مقدار وزارت ارشاد را، یک مقدار سازمان تبلیغات را، یک مقدار حوزه‌ی علمیه را، یک مقدار آن کسانی که صاحبان اندیشه‌ی دینی هستند، همین اندیشه‌های عرفانی، حکمت متعالیه و این چیزهایی که آقایان گفتید، اینها را مخاطب قرار می‌دهم و می‌گویم شما برای برخورداری کشور از این هنر فاخر - که در این جمع هست - چه کرده‌اید؟ «شما» چه کرده‌اید؟ ۸۵/۳/۲۳



صدا و سیما نه وسیله‌ی صرفاً برای سرگرمی یا خبررسانی - که مدرسه‌ی عمومی برای همه‌ی قشرها در سراسر کشور است و برنامه‌هایی که از آن پخش می‌شود چه مثبت و چه منفی،

آثاری عمیق در روحیه و فکر و رفتار و فرهنگ و بینش مخاطبان خود برجای می‌گذارد. وظیفه‌ی گردانندگان این رسانه‌ی سراسری از این رو بسیار خطیر و سنگین است. اندکی غفلت از گردش امور و بی‌توجهی به تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در آن، گاه آثار بی‌جبرانی برجای می‌گذارد.

پخش برنامه‌های هنری و فیلم‌ها و گزارش‌هایی که جوانان و کودکان را به رفتار سالم و اندیشه‌ی درست رهنمون می‌شود و دینداری، و تعهد، و انضباط و محبت، و تعاون، و حضور در صحنه‌های انقلابی و سیاسی را به آنان می‌آموزد، و عشق به فرهنگ و میهن و مردم خویش را در آنان پدید می‌آورد، کاری درخشان و حسنه‌ی ماندگار است و کشور را در برابر امواج تهاجم فکری و فرهنگی و تبلیغاتی بیمه می‌کند.

۷۸/۳/۵



پراکندن فیلم‌ها و سریال‌ها و برنامه‌هایی که آنان را مجذوب خواسته‌های غلط و انحرافی می‌سازد یا به بی‌بندوباری و معاشرت‌های نامشروع یا خشونت‌های خونین - که امروز آفت جوامع غربی بخصوص آمریکا است - می‌کشاند و در رفتار و پوشش و معاشرت و آرمان‌گزینی، مقلد بیگانگان بار می‌آورد، یا حقایق گذشته و حال کشور را واژگونه می‌نماید و مخاطبان را به یأس از خود، و فریفتگی به بیگانه یا به سرگرمی‌ها و عادت‌های ناسالم و مهلک یا به اسراف سوق می‌دهد، لطمه‌ی است که به آسانی قابل جبران نیست و وزر و وبال آن گریبان گیر همه خواهد شد. درس‌های مفید و مضر این رسانه‌ی بزرگ، بر روی میلیون‌ها

مخاطب در سراسر کشور - خواسته یا ناخواسته - اثر می‌گذارد و نتایج آن با همین نسبت قابل سنجش و در دیوان الهی مورد محاسبه است.

۷۸/۳/۵



نیازهای فرهنگی نسل جوان و نوجوان که امید فردای کشور ما است عمدتاً عبارت است از: استحکام بنیان‌های اعتقادی و دینی، آشنایی با مبانی معرفتی اسلام و قرآن، شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت خود بویژه در دوران‌های نزدیک به امروز، شناخت درست امام خمینی - قله‌ی بلند تاریخ معاصر - و اندیشه‌های سیاسی تابناک و پایه‌های حرکت عظیم انقلابی او، احساس عزت و سربلندی به خاطر درسی که ایرانیان در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به جهان دادند، فراگرفتن خصلت‌هایی که می‌تواند نسل کنونی را به اعتلاء و عظمت برساند مانند: دینداری و دانش پژوهی، وجدان کار و انضباط، شجاعت و پاکدامنی و جوانمردی، آگاهی سیاسی و خلوص انقلابی، امانت و محبت و برادری و استقلال و آزادمنشی... وظیفه‌ی اصلی صدا و سیما آن است که در طی همه‌ی برنامه‌های خود هدف برآوردن این نیازهای حیاتی را در نظر بگیرد و از سمت و سوی آن بیرون نرود.

۷۸/۳/۵



تنوع و جذابیت در صدا و بخصوص سیما شرط لازم توفیق آن رسانه است ولی این نباید موجب گرایش به شیوه‌های زیانبخش و مخرب گردد. ترویج فرهنگ غربی و استفاده‌ی ابزار از جاذبه‌های جنسی یا استفاده از موسیقی‌های لهوی و حرام و چیزهایی از این قبیل نباید به بهانه‌ی جذاب کردن تلویزیون به این دستگاه مؤثر که در معرض دید همه‌ی قشرها و خانواده‌ها است راه یابد.

۷۸/۳/۵

### نگاهی نو به تلویزیون / ۲۹

صدا و سیما باید برخورد با عوامل داخلی و خارجی ایجاد ناامنی، استقرار عدالت، لزوم تربیت معنوی جامعه و تلاش برای رفاه و آبادی و پیشرفت علمی را بعنوان مطالبات حقیقی مردم از حکومت مطرح کند تا مردم بدانند حکومت در برابر آن‌ها چه وظایفی دارد.

۸۱/۱۱/۱۵



محتوای فیلم‌ها و سریال‌ها نباید اعصاب مردم را ناراحت کند بلکه باید آرام‌بخش باشد.

۸۱/۱۱/۱۵



به طور کلی صدا و سیما مدرسی گسترده برای طرح حقایق اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و معارف اهل بیت علیهم السلام بگونه‌ی اصیل و صحیح گردد.

۷۲/۱۱/۲۴



برنامه‌های هنری صدا و سیما از جذابیت و شیرینی برخوردار گردد و فاخرترین هنرهای نمایشی با مضامین پربار اجتماعی و اخلاقی و سیاسی در این رسانه‌ی همگانی ارائه شود. نمایش‌های سبک و بی‌مغز و گمراه‌کننده و فاقد کیفیت هنری که گاه بسی پرخرج هم هست، یکسره موقوف شود.

از پخش موسیقی مبتذل و لهوی بویژه آنچه در این رشته‌ی هنری، فاقد هویت ملی و اصالت ایرانی است، پرهیز شود.

۷۲/۱۱/۲۴

برنامه‌های برون مرزی از ابتذال و تکرار و سبکی کاملاً مبرا و براستی نمایشگر ایرانی اسلامی باشد.

۷۲/۱۱/۲۴

ما را به کجا می‌برند؟  
نگاهی نو به

# تلویزیون

از منظر شهید آوینی

## ماهیت تلویزیون

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ما رادیو و تلویزیون و سینما و بسیاری دیگر از ملزومات تمدن جدید را متناسب با معتقدات کاملاً استثنائی خویش تا آنجا که توانسته‌ایم تغییر داده‌ایم و لهذا برای دریافت ماهیت حقیقی این ملزومات، باید به آن صورتی نظر کرد که این پدیده‌ها در غرب یافته‌اند. تلویزیون ایران هرگز نمی‌تواند حکایتگر همه موجودات تلویزیون باشد، چرا که ما خواه ناخواه و نه از سر خود آگاهی بلکه در پاسخ به یک ضرورت طبیعی در انقلاب ناچار شده‌ایم که حتی المقدور مانع از ظهور تعارضات آشکاری شویم که میان این پدیده‌ها با تفکر دینی ما وجود دارد. به عبارت دیگر، ما ناگزیر بوده‌ایم که نیش این مار را بکشیم و اگر چه در این امر توفیق کامل ممکن نیست، اما هرچه هست، تلویزیون ایران نمی‌تواند مظهر تمام و کاملی برای "تلویزیون بما هو تلویزیون" باشد.<sup>۱</sup>

این تلاش تاریخی نشان داده است که امکان ذاتی نشانه‌های تصویری در "انتقال مفاهیم" بسیار محدود است و جز از حیطة مفاهیمی که "امکان مصور شدن" دارند



فراتر نمی‌رود. اگر کلام نباشد، آیا می‌توان به کرولال‌های مادرزاد از راه تصویر محض همه مفاهیم را انتقال دارد؟ خیر، چرا که از این طریق تنها مفاهیمی قابل انتقال هستند که می‌توانند مصور شوند. برای درک ماهیت سینما و تلویزیون باید در این معنا اندیشه کرد.<sup>۱</sup>



حکم عقل ظاهر گرا آن است که تصویر وسیله مناسب تری برای انتقال مفهوم است، حال آنکه اهل تحقیق می‌دانند که کلام تنها راه "انتقال و تبادل معانی" است. تصویر یک گل سنبل جز بر همان گل دلالت ندارد، حال آنکه کلمه "گل" نه تنها می‌تواند بر مدلول‌های بی شماری دلالت داشته باشد، بلکه از امکان "دلالت رمزی یا سمبلیک" نیز برخوردار است.<sup>۲</sup>



رو درباستی را کنار بگذاریم و یک بار دیگر از خود سؤال کنیم که فی‌المثل چه امری ما را بدانجا کشانده که هنگام اذان مغرب همه برنامه‌ها را تعطیل می‌کنیم و به پخش اذان و مختصری مناجات می‌پردازیم؟ و یا شب‌ها چرا برنامه‌های تلویزیون ساعت یازده به اتمام می‌رسد؟ و یا روزهای جمعه چرا برنامه‌های صبح جمعه شبکه دو، برای احتراز از تعارض برنامه با نماز جمعه قطع می‌شود؟ تعطیل موسیقی در روزهای

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۱

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۱

عزا به چه دلیل انجام می‌گردد؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر از این قبیل، این تعارضات در جامعه‌ای مذهبی همچون جامعه ما به ناگزیر رخ می‌نماید. اما در غرب تلویزیون نیز به تبع نظام فکری غالب، لجام گسیخته است و اجازه یافته تا به همه ساحات و قلمروهای وجود آدمی تجاوز کند و او را از صراط اعتدال بیرون کشد. از یک سو همه لوازم و محصولات تمدن امروز صورت تبدیل یافته همین فرهنگ لجام گسیختگی و عدم اعتدال هستند و از سوی دیگر، این لوازم متناسب با ماهیت خویش حیاتی غیر متعادل و بیمارگونه را بر بشر امروز تحمیل کرده‌اند.<sup>۱</sup>



"دیدن و شنیدن" برای بسیاری از مردم سهل‌تر از "خواندن" است و به همین علت، تماشای تلویزیون می‌تواند بخش کثیری از مردم را از "خواندن" کفایت کند.<sup>۲</sup>



در هنگام تماشای تصاویر، آنچه بیننده را به خود می‌کشد "توهم واقعیت" است نه "تخیل" تصویر اصلاً امکان تخیل را از بیننده سلب می‌کند و او را در صورت ثابت و واحدی از تحقق شیء متوقف می‌سازد.<sup>۳</sup>



۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۸

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۹

در تلویزیون نسبت بین کلام و تصویر صورت‌های مختلفی به خود می‌گیرد.<sup>۱</sup>



رادیو و تلویزیون و نشریات بیش از آنکه بتوانند در "اعلای فرهنگ و ادب و هنر" نقش داشته باشند، بالعکس، سرچشمه‌های جوشان ادب و فرهنگ و هنر را می‌خشکانند، چرا که برای همه چیز "فرمول" می‌تراشند و چون پای "فرمول و عادت" در میان آمد، فرهنگ و ادب و هنر به اضمحلال در کلیشه‌هایی تکراری محکوم می‌شوند.<sup>۲</sup>



قصد ندارم که فواید رادیو و تلویزیون و نشریات را مطلقاً انکار کنم، اما عالم فرهنگ و ادب و هنر "عالم خلاف عادت" است و رسانه‌های گروهی سر و کارشان غالباً با مشهورات و مقبولات عالم و عادات و ملکات روزمره مردم است.<sup>۳</sup>



وضع کنونی عموم اقوامی که آنان را "جهان سوم" می‌نامند در برابر تمدن غرب، وضع کودکی است که شیفتگی‌اش در برابر اسباب بازی‌های رنگارنگ چشم او را بر خیر و صلاحش بسته است. آن‌ها محصولات تمدن غرب را، اتومبیل و یخچال

و فریزر، رادیو و تلویزیون و سینما ... و حتی کامپیوتر را به جوامع خویش وارد کرده‌اند و حالا می‌خواهند جامعه‌ای بسازند که این وسایل با آن هماهنگ باشد:

یا مکن با پیلبانان دوستی      یا بنا کن خانه‌ای در خوردِ پیل<sup>۱</sup>

استفاده از این ابزار خواه ناخواه فرهنگ خاصی را می‌خواهد که بدان "فرهنگ صنعتی" می‌گویند و تنظیم حیات بر مبنای استفاده از این ابزار ملازم با "احکام عملی خاص" یا "اخلاق صنعتی" است که "نظم تشریحی ملازم با دین و دینداری" را نفی می‌کند.<sup>۲</sup>



نحوه روبه رویی ما با جهان غرب از همان آغاز به صورتی وارونه طرح شده است و ما هرگز، حتی برای لحظه‌ای، دچار این تردید نشده‌ایم که اگر موجبات این ابزار ما را از حقیقتی که در جست و جوی آن هستیم باز دارند، چه باید بکنیم. هم اکنون نیز کسانی که به برنامه‌های تلویزیون اعتراض می‌کنند و بحق سخن از عدم تجانس برنامه‌های تلویزیون با اهداف انقلاب اسلامی می‌گویند، هرگز مسئله را بدین صورت بررسی نمی‌کنند که شاید این عدم تجانس به "ذات تلویزیون" باز می‌گردد، نه فقط به برنامه سازان و برنامه ریزان. تصور ما از تلویزیون و سایر محصولات تکنولوژیک غرب، تصور ظرفی است که هر مظروفی را می‌پذیرد، حال آنکه حتی اگر تلویزیون را "

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۹

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۲۰

۳- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۲۰

۱- گلستان سعدی، باب هشتم (در آداب صحبت کردن).

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۷۰-۷۱

ابزاری بدون هویت فرهنگی " خاص بدانیم، باز هم این ابزار موجبات و اقتضائاتی دارد که اگر چه اراده و استقلال ما را به طور مطلق نفی نمی‌کند، اما آن را محدود و مشروط می‌دارد؛ هیضم شکنی که برای بریدن درختان می‌خواهد از ارّه برقی استفاده کند، لااقل این هست که محتاج به برق می‌شود و برای دست یابی به برق نیز محتاج به یک رشته طویل از ملزوماتی است که استفاده از ارّه برقی موکول به وجود آن‌هاست. در اینجا دیگر آدم نمی‌تواند سخن از اختیار و استقلال مطلق بگوید، بلکه اختیار و استقلال او محدود و مشروط به حدود ارّه برقی و موجبات و اقتضائات آن است.<sup>۱</sup>



در تاریخ انبیا، قوم یهود مظهر " دیده پرستی یا چشم گرایی " هستند. آن‌ها بارها به حضرت موسی (علی نبینا وآله و علیه السلام) می‌گویند: " به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه خدا را آشکار ببینیم " <sup>۲</sup> و یا می‌پرسند: " چرا فرشتگان بر ما فرود نمی‌آیند و یا چرا آفریدگار خود را نمی‌بینیم؟ " <sup>۳</sup> و به اعتقاد حقیر، به همین علت است که انجیل یوحنا با این

کلام آغاز می‌شود که " در آغاز کلمه بود و کلمه خدا بود. " <sup>۱</sup>  
 اکنون این صفت خاص قوم یهود صورتی عام یافته است و انسان، دیگر " تا نبیند باور نمی‌کند "، حال آنکه انسان در اعصار گذشته برای کشف اسرار روی به تفکر و تعقل می‌آورد. تلسکوپ و میکروسکوپ ابزاری متناسب با همین روح تازه‌ای هستند که بر بشر امروز غلبه یافته است و اگر نه، انسان از هزاران سال پیش خاصیت عدسی‌ها را می‌شناخته است. این ابزار، و وسایلی دیگر چون سینما و تلویزیون، به این اشتیاق " دیده پرستی یا چشم گرایی " در تمدن جدید جواب می‌دهند. قوم یهود مظهر چنین روحی هستند که بر تاریخ جدید نیز سیطره یافته است و این حقیقت نمی‌تواند با تشکیل دولت اسرائیل، سیطره پنهان فراماسونری و نفوذ سرمایه‌داران یهودی در حکومت آمریکا در این دوران بی‌ارتباط باشد.<sup>۲</sup>

وقتی بنی اسرائیل صاحب صفتی چنین باشند، معجزات حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) نیز باید آنچنان باشد که در قرآن مجید آمده است، حال آنکه

۱- " در آغاز کلمه بود، و کلمه با خدا بود، و کلمه خدا بود. " (کتاب " عهد جدید "، انجیل به روایت یوحنا).

۲- برای تفصیل بحث به مقاله " کلامی، تصویری " از آقای " شمس الدین روحانی " مراجعه کنید. { پژوهش صهیونیست (مجموعه مقاله)، به کوشش محمد احمدی، مؤسسه فرهنگی- پژوهشی ضیاء اندیشه، تهران، اول، ۱۳۷۶. }

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۸۲-۸۳

۲- لن نؤمن لک حتی نری الله جهره؛ سوره بقره، آیه ۵۵.

۳- لو لا انزل علينا الملائکه او نری ربنا؛ سوره فرقان، آیه ۲۱

معجزه پیامبرِ آخرالزمان "کلمه" است. قرآن "نازله کلام ازلی" و "خواندنی" است، نه عام و کلی و مختلف‌الجهت و نامحدود باشد، حال آنکه دلالت تصویر بر مفهوم آن مستقیم و غیر مجرد، خاص، جزئی و محدود است و نیاز به تخیل و تفکر ندارد و این یکی از مهم‌ترین علل روی آوردن انسان جدید به هنرهای تصویری و تجسمی است. بشر امروز از تعقل فلسفی و تفکر می‌گریزد و روی به بازی‌ها و سرگرمی‌هایی می‌آورد که ذاتاً مبرای از تفکر باشند: فوتبال، جک پات<sup>۱</sup>، آتاری، سینما و تلویزیون و علی‌الخصوص کارتن.<sup>۲</sup>

حکومت‌های جدید اولین جایی که تسخیر می‌کنند تلویزیون است.<sup>۳</sup>

مگر نه آنکه تلویزیون نه تنها گره‌تار این غربت و اعتزال نیست بلکه آنتن آن پشت بام‌های کاهگلی روستاهای حاشیه کویر را نیز تسخیر کرده است.<sup>۴</sup>

امروز یک دانشجوی چینی در همه تفکرات خویش دقیقاً با همین معیارهایی به

۱- jackpot: نوعی دستگاه برای تفریح یا قمار که در غالب ممالک جهان در اماکن عمومی (سالن سینما، هتل و...) و کازینوها به وفور یافت می‌شود.

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۳

۳- رستاخیز جان، ص ۱۱۱

۴- آینه جادو، ج ۳، ص ۲

موضوعات مختلف می‌اندیشد که یک دانشجوی کالیفرنایی. نظریات این دو درباره تاریخ، تمدن، هنر، سیاست، زندگی، تربیت فرزندان، همسرداری، طب، روح، جسم، آسمان، زمین ... با کمی تفاوت یکسان است، و تفاوت‌ها نیز - اگر موجود باشد - در ریشه‌ها و مبانی نیست، بلکه در فرعیات و نتایج است. در مصر، جده، استانبول، مسکو، دهلی، پرو ... و حتی دورافتاده‌ترین ده کوره‌های آفریقا و استرالیا نیز - به شرط آنکه مدرسه و تلویزیون رفته باشد - وضعی غیر از این وجود ندارد. تفاوت‌های اندکی هم که وجود دارد، در لباس، غذا، بعضی از آداب و رسوم، و ... - آن همه کوچک است و ظاهری که به راحتی قابل اغماض است.<sup>۱</sup>

اگر رسانه‌های گروهی - و بویژه تلویزیون - وجود نداشتند، این نوع خاص از حکومت که ظاهری دموکراتیک و باطنی توتالیتار دارد امکان تحقق نمی‌یافت. آن‌ها آزادی تأمل و تفکر و انتخاب را از شهروندان سلب کرده‌اند، اما در عین حال، مردم القائات زیرکانه رسانه‌ها را حرف دل خویش انگاشته‌اند. در چنین وضعی، مردمان نمی‌توانند هیچ تصویری از یک حکومت دیگر نیز داشته باشند.<sup>۲</sup>

۱- توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۱۷۸-۱۷۹

۲- آغازی بر یک پایان، ص ۱۲۰

## سینما و تلویزیون

تلویزیون چیست و تفاوت‌های ماهوی آن با سینما در کجاست؟ پیش از هر چیز، برای جلوگیری از شبهات احتمالی باید یک بار دیگر بر این نکته تصریح کنیم که "پرسش از ذات و ماهیت سینما و تلویزیون" را نباید با "پرسش از کارایی این دو وسیله" خلط کرد.<sup>۱</sup>



فیلم سینمایی فقط یکی از انواع برنامه‌هایی است که امکان پخش از تلویزیون می‌یابد. اگر هنگام پخش فیلم سینمایی از تلویزیون همان شرایطی که در سینما وجود دارد، ایجاد نشود- یعنی اگر در تاریکی مطلق و سکوت حاکم نگردد- فیلم سینمایی به هدر خواهد رفت. شرایط خاصی که فیلم سینمایی در آن به نمایش در می‌آید به صورتی است که فیلم اصلاً نباید مخاطب را به خودش وا بگذارد، اما در تلویزیون اگر آن شرایط مطلوب آماده نباشد- که معمولاً نیست- بسیاری از لحظات و ظرایف فیلم از چشم خواهد افتاد، چرا که اصلاً همه وجود مخاطب تلویزیون نمی‌تواند مصروف تلویزیون باشد. او در خانه‌اش نشسته و با همه آدم‌ها و اشیاء اطراف مرتبط است و در زیر چراغ‌های روشن، همراه با سروصدای بازی بچه‌ها و رفت و آمد دیگر ساکنان خانه

در دهکده جهانی مک لوهان<sup>۱</sup> اگر چه هیپنوپدیا وجود ندارد، اما حکومت‌ها از رسانه‌های جمعی و علی‌الخصوص تلویزیون و سینما تعریفی نزدیک به آن دارند. بعد از جنگ جهانی دوم بود که تلویزیون به مثابه یک رسانه جمعی- و مهم‌ترین آن‌ها- مورد اعتنا قرار گرفت و پیش از آن، در دورانی که آلدوس هاکسلی "دنیای متهور نو" را می‌نوشت، اولین تصویر تلویزیونی فقط برای انجمن سلطنتی انگلیس به نمایش در آمده بود. تلویزیون ۴۰۵ خطی ولادیمیر زوریکین<sup>۲</sup> نیز در سال ۱۹۳۸ رواج یافت، و اگر نه، شاید هاکسلی نیز چون اورول صورت انتزاعی تلویزیون- تله اسکرین- را هم در خدمت حکومت جهانی یوتوپیای خویش قرار می‌داد. و یا چون ری برادبری<sup>۳</sup> در "فارنهایت ۴۵۱"<sup>۴</sup>.

در "۱۹۸۴" تله اسکرین، که هم گیرنده و هم فرستنده است، خانه‌ها را از صورت یک پناهگاه امن بیرون آورده است و مردم حتی در خلوت خانه‌های خویش، از نظارت حکومت مرکزی رهایی ندارند.<sup>۵</sup>

۱- marshall mcluhan (۸۰-۱۹۱۱)؛ نویسنده و نظریه پرداز در حوزه ارتباطات، اهل کانادا.

۲- Vladimir Zworykin (۱۸۸۹-۱۹۸۲)؛ فیزیکدان آمریکایی (متولد در روسیه).

۳- ray Douglas Bradbury (۱۹۲۰- )؛ داستان نویس آمریکایی.

۴- fahrenheit ۴۵۱ (۱۹۵۳)

۵- فردایی دیگر، ص ۳۳-۳۴

به تماشای تلویزیون مشغول است.<sup>۱</sup>

سینما نیز اگرچه ماهیتاً تفاوت چندانی با تلویزیون ندارد، اما از لحاظ کمی و کیفی حیطة عمل محدودتری را شامل می‌شود، چرا که تلویزیون عضو ثابت و بی‌بدیل همه خانواده‌هاست، اما رفتن به سینما ملازم با مقدماتی است مخصوص به آن، که در همه شرایط ممکن نمی‌شود. تماشای تلویزیون شرایط مخصوصی را طلب نمی‌کند، اما سینما این همه سهل الوصول و دست یافتنی نیست.<sup>۲</sup>

سینما و ویدئو را به آن اعتبار که هر دو صرفاً ابزارهایی برای نمایش فیلم هستند باید به یکدیگر نزدیک‌تر دانست، اما تلویزیون با غایاتی مستقل از دوتای دیگر اختراع شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آنچه هست این است که این ابزار، هم مولود غفلت فراگیر بشر در روزگار کنونی هستند و هم خود دعوت به غفلت می‌کنند.<sup>۳</sup>

نحوه حضور تلویزیون در زندگی بشر به گونه‌ای است که در مقایسه با ویدئو و

سینما اختیار انسان بیش‌تر محدود می‌شود.<sup>۱</sup>

تلویزیون و سینما ماهیتاً با یکدیگر متفاوت هستند، اما با مخاطبان خود، با صرف نظر از تفاوت مراتب، نحوه مواجهه مشترکی دارند که نوعی "رابطه تسخیری" است، اگر چه "بالاختیار".<sup>۲</sup>

سینما و تلویزیون پدیدارهایی تکنولوژیک هستند که پیش از آنکه اصلاً ما "آزادی در قبول عدم آن‌ها" پیدا کنیم خود را بر ما تحمیل کرده‌اند. دیگر سخن از قبول یا عدم قبول سینما و تلویزیون در میان آوردن همان همه مضحک و شگفت‌آور است که اظهار تردید در لزوم یا عدم لزوم غذا برای زنده ماندن. و بعضی‌ها حتی تحمل این پرسش را نیز - از ذات و ماهیت سینما و تلویزیون - ندارند و هر نوع عملی را اگر خلاف این پراگماتیسم<sup>۳</sup> حادّی باشد که به تبع غرب زدگی اشاعه دارد، تعلق و فلسفه بافی می‌شمارند... اما در هنگام استفاده از این رسانه‌ها - و سایر ابزار تکنولوژیک - باز هم

۱- رستاخیز جان، ۱۱۱

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۰۴

۳- pragmatism: فلسفه صلاح عملی. نظریه‌ای که بر اساس آن مفهوم یک قضیه یا فعل و عمل در نتایج قابل ملاحظه و مشاهده آن نهفته است. ویلیام جیمز (۱۹۱۰-۱۸۴۲)، روانشناس و فیلسوف آمریکایی، این نظریه را عنوان کرده است.

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۳

۳- رستاخیز جان، ص ۱۰۴

خواه ناخواه با این حقیقت رو به رو می‌شویم که اگر یک معرفت عمیق حکیمانه نسبت به ماهیت این ابزار، چراغ راه کاربرد آن‌ها نباشد، بلاتردید از عهده استخدام این وسایل برای صورت‌ها و معانی پیام‌های منشأ گرفته از تفکر مستقل خویش برخوردار خواهیم آمد.<sup>۱</sup>



"سینما و تلویزیون ظرف‌هایی تهی هستند که هر مظلومی را می‌پذیرند." و از آنجا که تفکر غالب متفکران و هنرمندان ما حکم بر جدایی قالب و محتوا از یکدیگر می‌کند و قالب یا کالبد را نیز مرتبه‌ای نازل از روح مظهر آن می‌داند، دیگر هرگز در اندیشه این احتمال نمی‌افتد که ماهیت وسایل مانعی در برابر بیان او ایجاد کند؛ اما حقیقت خلاف این است.<sup>۲</sup>



تلویزیون نسبت به سینما دارای خصوصیتی کاملاً متمایز است. این تمایز در غایات و نوع ارتباط خاصی است که تلویزیون با مخاطبان خویش برقرار می‌کند و به عبارت دیگر، رابطه مخاطب با فیلم سینمایی کاملاً متفاوت است با رابطه‌ای که بین تلویزیون و مخاطبان آن وجود دارد و همین تفاوت است که به کار برنامه‌سازی برای تلویزیون ماهیتی دیگر گونه می‌بخشد. این رابطه نیز همچون رابطه انسان‌ها با فیلم سینمایی، نسبتی کاملاً بدیع و بی‌سابقه است که بین انسان‌ها با شیئی خارج از وجودشان برقرار

می‌شود و از این لحاظ هرگز نمی‌توان در حیات گذشته انسان‌ها نظیری برای تلویزیون و سینما پیدا کرد. اگر اعتبارات عقلی تمدن جدید را کنار بگذاریم و آزادانه درباره تلویزیون بیندیشیم، هرگز نمی‌توان علتی معقول برای این امر پیدا کرد که انسان‌ها ساعت‌های متمادی از زندگی خویش را، روزها و شب‌ها، وقف تماشای وسیله‌ای چون تلویزیون کنند، مگر آنکه این وسیله بتواند جایگزین همه مناسبات و جوابگوی همه نیازهایی باشد که انسان‌ها در طول این ساعات دارند.

اکنون فرصت فکر کردن درباره اینکه انسان به یک چنین رابطه‌ای نیازمند هست یا خیر وجود ندارد؛ وجود تلویزیون و اعتبارات عقلی تمدن جدید خود به خود این امکان را از آدم‌ها دریغ می‌دارند. انسان جدید هرگز امکان اندیشیدن آزادانه درباره خویش و جهان اطراف خود و تکنولوژی را پیدا نمی‌کند؛ او زندانی مقتضیات زمان و موجبات تمدن صنعتی است و هرگز اجازه پیدا نمی‌کند که این زندگی را با نیازهای ذاتی خویش بسنجد و دریابد که آیا این نظام تکنولوژیک بر مدار اختیار او می‌چرخد و یا او برای آنکه بتواند این همه را حفظ کند، خود را با مقتضیات و موجبات این سیستم پسخوراند<sup>۱</sup> سیطره ناپذیر، که چون چرخ بزرگ سریع و خودگردانی می‌چرخد و همه

۱- Feedback: باز گرداندن بخشی از "خروجی" یک ماشین، سیستم یا فرآیند به "ورودی" آن، به منظور انجام تغییرات لازم برای بهبود، اصلاح، تصحیح یا کنترل کارکرد آن ماشین، سیستم یا فرآیند.

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۵

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۱۷

موانع راه خویش را بی‌رحمانه خرد می‌کند و از سر راه بر می‌دارد، تطبیق داده است.<sup>۱</sup>

تلویزیون در همه خانه‌ها حضور دارد و ساعت‌هایی کثیر از روز و شب را با مردم در ارتباط است. خصوصیات کمی و کیفی این رابطه است که تلویزیون را از سینما متمایز می‌سازد.<sup>۲</sup>

تلویزیون و سینما ابزار و وسایلی نیستند که هر کس هر طور که بخواهد آن‌ها را به کار برد و اصولاً ابزار هر چه بیشتر به سوی "اتوماسیون و پیچیدگی تکنیکی" حرکت کنند، محدودیت‌های بیشتری را بر اختیار و اراده آزاد انسان تحمیل می‌کنند. این سخن مک‌لوهان که "رسانه همان پیام است" به همین معناست که "رسانه‌ها موجبات و اقتضائاتی دارند که از آن نمی‌توان گریخت".<sup>۳</sup>

جادوی سینما و تلویزیون، خارج از حیطه مفاهیم، در برزخ "تأثرات احساسی و روانی" ظاهر می‌شود و لذا اثرات تخریبی و یا احیاناً تربیتی خویش را بیشتر بر "ضمیر

نابه‌خود" باقی می‌گذارد، اگر چه راه "دنیای خودآگاهی" نیز بر آن بسته نیست.<sup>۱</sup>

این همان کاری است که از طریق سینما و تلویزیون با انسان امروز کرده‌اند و در طول نزدیک به یک قرن از اختراع سینما، "الگوهای احساسی غیر متوازی" برای انسان‌ها ساخته‌اند و راه بازگشت آن‌ها را به فطرت خویش مسدود کرده‌اند.<sup>۲</sup>

سینما و تلویزیون ظروفی نیستند که ما هر چه بخواهیم در آن‌ها بریزیم؛ آن‌ها ماهیتاً برای ایجاد "تفنن و تفریح و تغفل" شکل گرفته‌اند و اگر ما بخواهیم رسانه‌های گروهی را به سوی غایتی که حضرت امام فرموده‌اند - دانشگاه عمومی اسلامی - بکشانیم، قبل از هر چیز لازم است که با تحقیق و تعمق در ماهیت این وسایل و موجبات آن‌ها، راه‌های خروج از "موجبت تکنیک" را جست و جو کنیم. باز هم بر این نکته تأکید می‌ورزم که اگر غایات، شیطانی باشند، تکنیک و ابزار سینما هم آنچنان که هستند با ما همراهی خواهند کرد و اگر نه، یعنی اگر بخواهیم محتوای سینما و تلویزیون را به سوی حق متمایل کنیم، تکنیک و ابزار سینما و تلویزیون، فی‌انفسهم،

۱- در اینکه "ضمیر نابه‌خود" چیست و این اصطلاحات تا کجا می‌توانند راهی به معارف ما در باب علم النفس باز کنند، سخن اگر چه بسیار است، اما این مقاله فرصت قبول آن را ندارد.

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۴

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۵

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۴

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۸

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۸



حجاب‌هایی هستند که باید خرق شوند.<sup>۱</sup>

سینما و تلویزیون، همچون سایر مظاهر تمدن غرب، از انسان تصویری دارند که نه تنها مبتنی بر حقیقت نیست، بلکه نافی آن است. سینما و تلویزیون، چه از لحاظ تکنیک و چه از لحاظ محتوا، توجه خویش را معطوفِ نیازهای کاذب، عادات زاید و ضعف‌های روانی بشر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

سینما و تلویزیون نیز به جای آنکه با اتکای به کمالات انسانی، بشر جدید را در عبور از نیازهای حیوانی و غلبه بر جاذبه‌های شیطانی درون خویش یاری دهند، بالعکس، با اثبات حیوانیت بشر و اتکای بر نقایص و ضعف‌های او طرقی اختیار کرده‌اند که هرچه بیشتر به تحکیم اسارت آدمی زادگان در این باتلاق عفن می‌انجامد و راه‌های خروج را بیش از پیش بر آن‌ها می‌بندد.<sup>۳</sup>

تلویزیون رسانه‌ای است کاملاً متفاوت با سینما، هرآنچه در تلویزیون مجاز باشد، در سینما مجاز نیست.<sup>۴</sup>

سینما و تلویزیون و ویدئو از جمله ابزارهای هستند که بشر را به غفلت و فراموشی فرا می‌خوانند و او را از حقیقت وجودش دور می‌کنند و بنابراین، اگر در اختراع دوربین عکاسی و بعد دوربین فیلمبرداری نتوان صراحتاً این غایات را استنباط کرد، در چگونگی استفاده از این ابزار در طول تاریخ سینما، تلویزیون و ویدئو به خوبی می‌توان این حقیقت را پیدا کرد.<sup>۱</sup>

یکی از احکام مشهوری که درباره سینما و تلویزیون عنوان می‌شود این است که "این‌ها ظرف‌هایی هستند که هر مظلومی" را می‌پذیرند، این‌ها "ابراز" هستند و این ما هستیم که باید از این ابزار درست استفاده کنیم" و کسی هم از خود نمی‌پرسد که اگر این چنین بود، چرا ما بعد از یازده سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هنوز نتوانسته‌ایم از تلویزیون و سینما آن چنان که شایسته است استفاده کنیم.<sup>۲</sup>

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۸۴

۴- آینه جادو، ج ۳، ص ۸۸

۱- رستاخیز جان، ص ۱۰۹-۱۱۰

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۵۹

## تلویزیون و اوقات فراغت

اکنون زندگی ما، و بخصوص کودکان و نوجوانانمان، در اوقات فراغت نظم مسلکی خویش را از دست داده و نظامی متناسب با برنامه‌های تلویزیون گرفته است و به همین دلیل در صبح روزهای جمعه برای آنکه برنامه‌های تلویزیون با نماز جمعه معارضه نکند برنامه‌ها را قطع می‌کنند، اما در هنگام اذان مغرب که برنامه‌ها فقط برای پخش مختصری قرائت قرآن، اذان و چند جمله‌ای مناجات قطع می‌شود و بعد ادامه پیدا می‌کند، بازار مساجد بسیار کساد است؛ علاوه بر آنکه ما و کودکانمان برای تماشای فیلم سینمایی عصر جمعه نمازمان را درست در آخرین فرصت ممکن به جای می‌آوریم. باز خدا پدرشان را بیامرزد که برنامه‌ها را فقط تا ساعت بیست و سه ادامه می‌دهند<sup>۱</sup> و لااقل زمستان‌ها نماز صبح مسلمین قضا نمی‌شود.<sup>۲</sup>



سینما و تلویزیون و ویدئو، هر سه اوقات فراغت بشر جدید را پُر می‌کنند. "اوقات فراغت" نیز مفهومی است کاملاً جدید، نه آن که انسان گذشته محتاج فراغت نبوده و یا هیچ زمانی فارغ از کار نبوده است؛ این اصطلاح با این مفهومی که از آن مُراد می‌کنند کاملاً جدید است. اگر این سه اعتبار که عرض خواهم کرد نبود، این مفهوم نیز

۱- این مقاله در سال ۱۳۶۹ نگاشته شده.

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۰

بوجود نمی‌آید. یکی اینکه نظام اشتغال در روزگار ما در تبعیت از نظمی که لازمه برقراری کارخانه‌ها و تکنولوژی است به این صورت فعلی درآمده است: روزی هشت ساعت، هفته‌ای چهل ساعت و... .

به تبع این نظام اشتغال، همه کارمندان و کارگران اوقات فراغت مشترکی دارند. دومین امری که به اوقات فراغت مفهوم امروزی لفظ را بخشیده آن است که بشر در "کار" نوعی اجبار و ایجاب یافته که به علت نیاز او به ادامه معاش بر او تحمیل شده است و بنابراین، وقت فراغت از کار اجباری روزانه تنها وقتی است که می‌توان زندگی کرد؛ یعنی زندگی برای یک فرد شاغل در روزگار جدید درست از هنگامی آغاز می‌شود که کار روزانه پایان می‌گیرد. سومین امر آن است که بشر جدید به اعتبار تعریف تازه‌ای که اومانیسیم از انسان ارائه داده، زندگی را در لذات قابل حصول می‌بیند و از آنجا که این لذت طلبی را مرگ آگاهی است که محدود و مخدوش می‌کند، انسان این روزگار در جست و جوی ابزاری برآمده است که اوقات فراغت او را با غفلت و فراموشی پُر کنند. او از ذکر، یعنی هر آنچه او را به یاد حقیقت و مرگ و عالم غیب و عاقبت و معاد بیندازد می‌گریزد و بنابراین، توقع دارد آنچه که در اوقات فراغت به او عرضه می‌شود این خواسته را به طور کامل برآورده سازد.<sup>۱</sup>



در جامعه کنونی غرب " اصل لذت " چون حقّ مسلّمی برای عموم انسان‌ها اعتبار شده است و متناسب با این حکم، " نظامات قانونی " به صورتی شکل گرفته که در آن " امکان اقناع آزادانه شهوات " برای همه افراد فراهم باشد. لذا وظیفه رسانه‌های گروهی و مخصوصاً تلویزیون در این شرایط با فرض این مقدمات معین خواهد شد:

- ساعات فراغت از کار باید به تفریح و تفنن و لذت جویی و تمتع از زندگی اختصاص یابد.

- وظیفه سینما و بالخصوص تلویزیون پُر کردن اوقات فراغت مردمی است که می‌خواهند خستگی یک کار اکراه آور هر روزه را از وجود خود بزدایند.

چه باید کرد؟ آیا واقعاً وظیفه‌ای که تلویزیون بر عهده دارد همین است که اکنون در سراسر کره زمین - و حتی ایران - بدان عمل می‌شود؟<sup>۱</sup>

تلویزیون اکنون در جهان غرب روح انسان‌ها را تسخیر کرده و جایگزین همه مناسبات دیگری گشته است که می‌بایست وجود داشته باشند. مگر یک انسان تا کجا نیاز به تفریح دارد؟ و آیا اینجا اصلاً مقام پرسش از ذات و حقیقت وجود انسان و نیازهای ذاتی او نیست؟ چرا تلویزیون باید اجازه داشته باشد که همه ساعات فراغت انسان‌ها را پُر کند؟ این مسئله‌ای است فراتر از آنکه تلویزیون در سراسر جهان خواه

ناخواه در کف قدرتمندان و زورمندان و حکام قرار گرفته است و از یک حاکمیت شیطانی واحد تبعیت دارد و انسان‌ها را به سوی غایات استثمارگرانه خاصی می‌خواند.<sup>۱</sup>



اگر حکام جامعه بخواهند بدین خواسته ترتیب اثر بدهند، خود به خود برنامه‌های سرگرم کننده همه ساعات پخش تلویزیون را پُر خواهد کرد - آنچنان که اکنون در غرب معمول است - و اگر نه، آنچنان که در ایران امروز روی داده است، یا باید برنامه سازان روی بدین امر بیاورند که حتی مسائل تربیتی را نیز در قابل مسابقات هیجان انگیز، شوهای جذاب و فیلم‌های کمدی ارائه کنند و یا روز به روز از تعداد بینندگان تلویزیون کاسته خواهد شد و در صورت امکان، شبکه‌های ویدیویی آپارتمانی و یا محله ای همه جا را پُر خواهد کرد. مشکلی که در اینجا رخ می‌نماید آن است که مسابقات هیجان‌انگیز، شوهای جذاب و فیلم‌های کمدی، فی‌انفسهم، نمی‌توانند کالبد روحی واقع شوند که در مسائل تربیتی، اخلاقی و یا مذهبی وجود دارد. آنچه که در ایران امروز روی داده است، با عنایت به سابقه تاریخی نفوذ استعمار در این کشور و پیوستگی فرهنگی سراسر جهان به یکدیگر، امری اجتناب‌ناپذیر است که در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای بزرگی که غرب زدگی فرهنگی همچون جذام حتی استخوان‌های پیکر جامعه را نیز خورده است، شبکه‌های خصوصی ویدیویی و قاچاق فیلم‌ها

و برنامه‌های تلویزیونی تا بدین حد گسترش پیدا کند. لفظ "آموزش" نیز در غرب به مفهوم خاصی، متفاوت با مدلول "تعلیم و تربیت" در نزد ما استعمال می‌شود و لهذا، برنامه‌های آموزشی تلویزیون را نیز نمی‌توان همسو با غایات مورد نظر نظام اسلامی دانست.<sup>۱</sup>



در غرب، تلویزیون در خدمت پُر کردن اوقات فراغت شهروندان با تفریح و تفنن و انواع لذات است و اگر ما بخواهیم دستور العمل استفاده از تلویزیون را هم از آن‌ها بگیریم - با این استدلال که "اصلاً این وسیله اختراع آن‌هاست و آن‌ها خود بهتر از هر کسی راه‌های استفاده از آن را می‌شناسند" - دیگر چگونه می‌توانیم سخن از "استقلال" بگوییم؟

پیشنهاد ما این نیست که این وسایل را به دور بیندازیم، اما این هست که باید تا آنجا دل به این ابزار بیندیم که اراده مستقل ما برای ایجاد یک حکومت اسلامی نفی نمی‌شود.<sup>۲</sup>

## تلویزیون و کودک

اکنون فیلم‌های کارتون - حتی "میکی موس" و "پلنگ صورتی" - چهره‌ای کاملاً موجه یافته‌اند و دیگر کسی در تأثیرات تربیتی، روانی و اخلاقی فیلم‌های کارتون نمی‌اندیشد. اگر چه ما هرگز فرصت اندیشیدن و جواب گویی به این مسئله را پیدا نکرده‌ایم، اما برای رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که بحق باید وجود داشته باشند، اصلاً صورت مسئله را هم پاک کرده‌ایم!<sup>۱</sup>



فرزندان ما در جهانی پا به دنیا می‌گذارند که با تلویزیون و سینما و اتومبیل و لوازم تمدن جدید بشر پُر شده است و به همین علت، آن‌ها هرگز نمی‌توانند درباره ماهیت این اشیا و دعواتی که در آن‌ها پنهان است تأمل و تفکر کنند.<sup>۲</sup>



کودکی که در این جهان بزرگ می‌شود سینما و ویدئو و تلویزیون و اتومبیل و کامپیوتر و بمب را از لوازم ذاتی وجود بشر می‌انگارد، حال آنکه این ابزار در واقع صورت مجسم خلیقات، خواسته‌ها و معتقدات بشر جدید هستند نه متعلقات نیاز ذاتی

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۸۳

۱- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۶۳

۲- رستاخیز جان، ص ۱۰۵

و حقیقی او.<sup>۱</sup>

آتاری بازیچه تکنولوژیک است که جز به نیاز کودک عصر تکنولوژی جواب نمی‌گوید... و بر همین قیاس است سینما و تلویزیون و ویدئو.<sup>۲</sup>

اثرات تکنولوژی به طور اعم، و سینما و تلویزیون به طور اخص، خارج از "حیطه مفاهیم" ظاهر می‌شود و لذا مک‌لوهان سخن از "جادوی وسایل و بار ناخودآگاه آن‌ها" می‌گوید. تلویزیون آدم‌ها را مفتون و مسحور می‌کند و قابل انکار نیست که سحر آن در انسان‌های ضعیف‌النفس، کودکان و اشخاصی که آنان را اصطلاحاً عاطفی و احساسی می‌خوانند بیشتر کارگر می‌افتد.<sup>۳</sup>

عامه تماشاگران سینما و تلویزیون، و مخصوصاً بچه‌ها، بسیار مایلند که شخصیت‌های درون فیلم و وقایع آن را "واقعی" بینگارند. آن‌ها "آگاهانه" خود را فریب می‌دهند و با تمهیدات گوناگون سعی می‌کنند که سرزنش‌های نفس‌لوآمده را به خاموشی بکشانند.<sup>۴</sup>

۱- رستاخیز جان، ص ۱۰۸

۲- رستاخیز جان، ص ۱۰۸

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۳

۴- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۸۰

... تلویزیون قبلاً در همین مسیر افتاده بود و چاره‌ای هم نداشت، چرا نمی‌توانست خود را از وابستگی به تولیدات خارجی نجات بدهد. تولید داخلی خیلی گران‌تر تمام می‌شود، جذابیت کافی ندارد و از لحاظ کمیت نیز هرگز نمی‌تواند شکم بزرگ غول شکمو و سیری ناپذیر آنتن تلویزیون را پُر کند. مهم‌تر از این، ذائقه بچه‌هاست که به کارتون و تولیدات خارجی معتاد است. بچه‌ها تا هنگامی آش و آبگوشت می‌خورند که مزه کالباس و سوسیس و همبرگر و پیتزا را نچشیده باشند و وقتی کار از کار گذشت، دیگر هر چقدر برای بچه‌ها روضه فرهنگ سنتی و هویت ملی بخوانید بی‌فایده است.<sup>۱</sup>

مسئله آن است که تلویزیون تماشاگران خویش را آسان پسند و بی‌مایه و تنبل بار می‌آورد. بر سر بچه‌ها هم که گفتیم چه می‌آورد: سرزمین اسباب بازی‌ها و پینوکیو.<sup>۲</sup>

در اینجا سینما کودکان و نوجوانان باید به مثابه یک امر مطلقاً تربیتی مورد توجه قرار گیرد و استقلال فرهنگی را نه فقط چون ضرورتی غیر قابل انکار، بل چون تکلیفی عاشقانه بنگرد.

۱- آینه جادو، ج ۲، ص ۴۶

۲- آینه جادو، ج ۲، ص ۴۸

با توجه به مجموعه مسائلی که ضرورت‌هایی را خارج از اختیار و استقلال ما بر ما تحمیل می‌کنند، شاید نتوانیم در تهیه و تولید برنامه‌های تلویزیونی برای کودکان راه دیگری جز اینکه اکنون هست در پیش بگیریم، اما این موجبات نباید باعث شود که ما از اصل مسئله نیز غفلت کنیم... و اصل مسئله این است که ما باید دقت و تأملی کافی همه آنچه را که از غرب آمده است در ترازوی معتقدات خویش بسنجیم.<sup>۱</sup>



تلویزیون و سینما و کانون‌ها و مراکز فرهنگی و تربیتی در ایران امروز متعلق به دنیاهایی متفاوت و منفک از یکدیگر هستند و نه انگار که باید طرح و برنامه واحدی بر آن‌ها حاکمیت داشته باشد. پارک ارم، شهربازی، کلبه بازی و خنده، برنامه‌های کودکان در تلویزیون و ... نه قدرت همپایی با آتاری و شبکه ویدئویی فیلم‌های غیرمجاز را دارند و نه متوجه وظیفه اصلی خویش که تربیت کودکان است، هستند. همه غفلت کرده‌اند و از این غفلت ذهنیتی فراگیر ساخته‌اند که تو گویی هیچ راه دیگری برای برخورد با کودکان و نوجوانان و مخاطبه با آنان وجود ندارد.

در شرایطی اینچنین چگونه می‌توان سینمایی سالم برای کودکان بنیان نهاد؟<sup>۲</sup>



کودکان همراه با تلویزیون رشد می‌کنند و تلویزیون‌ها نیز با پیچیده‌ترین شیوه‌های روان‌شناسی اجتماعی، تلاش دارند تا مردم را نسبت به استمرار وضع موجود امیدوار سازند و آن‌ها را مطلقاً از هر اندیشه‌ای که مفید فایده‌ای نیست و کاربردی ندارد، باز دارند.<sup>۱</sup>

## جذاییت و تلویزیون

رابطه سینما و تلویزیون با مخاطبان خویش نوعی رابطه "تسخیری" است از طریق ایجاد جاذبه در تماشاگر برقرار می‌شود- اگر چه تسخیر به میل، نه به عنف و اکراه. ظاهراً هیچ‌گونه اکراه یا اجباری در کار نیست، اما اگر درست به این رابطه بیندیشیم خواهیم دید که غالباً رشته این جذاییت نه به کمالات انسانی بلکه به ضعف‌های او بند شده است و اینچنین، هر چند سخن از "جبر" به معنای فلسفی آن نمی‌توان گفت، اما باید در میان مردم و تلویزیون و سینما وجود نوعی "رابطه ایجابی" را پذیرفت: کششی سحر آمیز و غیر قابل مقاومت.<sup>۲</sup>



شیفتگی مخاطبان در برابر این وسایل آن همه است که شاید هیچ رابطه دیگری در

۱- فردایی دیگر، ص ۸۰-۸۱

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۱

۱- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۶۲-۲۶۳

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۶۵

سراسر جهان با آن قابل قیاس نباشد. همه اشیا و موجوداتی که ذاتاً از جاذبیت برخوردارند خواه ناخواه مواد مستعدی برای ایجاد مفسده نیز هستند، چنان که درباره "پول" و "زن" اینچنین شده است. در یک افسانه مشهور آمده است که شیطان بعد از آفرینش زن و اختراع پول گفته است: "همین دو تا مرا کفایت می‌کنند برای آنکه بتوانم همه ابنای آدم را گمراه کنم." بنده فکر می‌کنم که تلویزیون و سینما را نیز باید به این افسانه قدیمی افزود.

آیا این "جاذبیت" را نمی‌توان در خدمت خیر و صلاح بشر به کار گرفت؟ مراد بنده طرح یک بحث اخلاقی نیست، اگرچه یک چنین مبحثی می‌تواند بسیار فایده بخش باشد؛ بلکه می‌خواهم از این عدم تناسبی که میان اسم رسانه‌های گروهی و مسمای آن وجود دارد سخن بگویم. اسم رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی نسبت به ماهیتی که اکنون تلویزیون و سینما در سراسر جهان یافته‌اند بسیار "بی‌آزار" می‌نماید، همچون پوست خوش خط و خالی که مارها پوشیده‌اند! تلویزیون و سینما اکنون به وسایلی برای "تسخیر روح بشر" در خدمت استمرار استیلای قدرتمندان و ارباب جور در آمده‌اند. در نفس عبارت "ارتباطات و تبادل اطلاعات" هیچ نکته‌ای وجود ندارد که بتوان مبین این روح خبیثی باشد که در تلویزیون و سینما دمیده‌اند، اما محتوا و ماهیت این وسایل حکایت دیگری دارد.<sup>۱</sup>



شنیدن از خواندن سهل‌تر است و بنابراین، مخاطب و جاذبه بیشتری دارد. دیدن از شنیدن نیز سهل‌تر است، چرا که دیگر زحمت تخیل و تصور نیز از عهده مخاطب برداشته شده است.<sup>۱</sup>



اصل جاذبیت در تولید برنامه‌های تلویزیونی ایجاب می‌کند که پیش از هر چیز برنامه‌ها مستقیماً به مسائل مبتلا به مردم توجه یابند و از سوی دیگر، قالب‌هایی جذاب برای ارائه مسائل بیابند. "حفظ یک نقطه مجهول در تمام برنامه‌ها" از شیوه‌های معمول فیلمسازی و تولید برنامه‌های تلویزیونی است. این نقطه مجهول تماشاگر را به دنبال جواب می‌کشاند و او را تا آن هنگام که جواب اقناع‌کننده‌ای برای مجهول خویش بیابد، رها نمی‌کند. جاذبیت رشته‌ای است که یک سر آن در دست فیلم و سر دیگرش در جان مردمان است و فیلم اگر نتواند قلاب خود را به جایی در درون تماشاگر، اعم از خصوصیات فطری و غریزی او و یا عادات و اعتبارات اجتماعی‌اش بند کند، از جاذبیت برخوردار نخواهد شد. انسان فطرتاً از مجهول می‌گریزد و طالب علم است و این خصوصیت یکی از بزرگ‌ترین دست‌آویزهای فیلمسازها و تولیدکنندگان فیلم‌های تلویزیونی است.<sup>۲</sup>

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۹

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲

تمهیداتی که فیلمساز برای ایجاد جاذبه به کار می‌گیرد غالباً بر ضعف‌های روانی بشر اتکا دارد نه بر قوت‌های او، و این نکته پیش از آنکه به "مخاطب سینما" باز گردد، مربوط به "تکنیک سینما" است.<sup>۱</sup>

درباره تلویزیون، پرسش از جذابیت با دشواری‌های دیگری مواجه می‌شود، چرا که اگر جذابیت در سینما دامی است که می‌گسترند، در تلویزیون کمندی است که با آن صید را به دام می‌کشانند. این مثال شاید قیاس مع الفارق باشد، چرا که صید را از درون، جاذبه‌ای برای دام و کمند نیست، اما تماشاگر سینما و تلویزیون به آن دام و این کمند عشق می‌ورزد.<sup>۲</sup>

... کسی با ایجاد تفنن و سرگرمی برای مردم، به طور محدود و حتی المقدور با غایات کمال طلبانه مخالفتی ندارد؛ اما جذب انسان‌ها به سوی اهدافی که با حیات طیبه انسانی مخالفت دارد، ظلمی است غیر قابل بخشش.<sup>۳</sup>

کافی است که فیلم به ساختار دراماتیک وفادار باشد تا دارای جذابیت باشد، و ساختار دراماتیک لزوماً ملازم با فساد نیست.<sup>۱</sup>

## تبلیغ و تلویزیون

تاریخ تبلیغات سینمایی و تلویزیونی غرب با فرار از واقع‌گرایی در قالب شخصیت‌های مضحکی مثل لورل و هاردی آغاز می‌شود و... با عبور از مرحله بازسازی اسطوره‌های افسانه‌ای یونان باستان پای به مرحله قهرمان‌سازی در جهت بنیان‌گذاری نظام ارزشی سرمایه‌داری و تعدیل و کنترل واکنش‌های روانی و اجتماعی مخالف با آن می‌گذارد.<sup>۲</sup>

تلویزیون نیز در مسیر تبلیغ، از هنر دور افتاده و به پیام‌ظاهری اکتفا کرده است.<sup>۳</sup>

شاید مثال‌های خودمانی ملموس‌تر باشد. در همین جامعه طاغوت زده خودمان، شاه فضای عمومی جامعه را از طریق تلویزیون و سینما و با خلق شخصیت‌هایی مثل "قیصر" و "ستار" و "گوگوش" و "فردین" و غیره کنترل می‌کرد. چرا اینچنین است؟

۱- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۷

۲- توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۱۷

۳- رستاخیز جان، ص ۱۰۰

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۵۹

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۲-۳

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۵



چرا در اجتماع انقلابی ما با اینکه فضای تبلیغاتی جامعه مستقیماً تحت نفوذ و سیطره استکبار جهانی قرار ندارد، یک باره تب داغ پانک و بعد هم اپیدمی رمبو اکثر جوانان بالا شهری را بیمار می‌کند و حتی دایره نفوز این بیماری‌ها بعضاً - و البته بسیار محدود - تا پایین شهر هم گسترده می‌شود؟

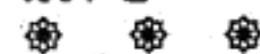
نگاهی به جانب مثبت قضیه نیز بیندازیم. در آغاز جنگ تحمیلی و بعد از سقوط خرمشهر، آنگاه که حضرت امام از سر صدق فرمودند: رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.<sup>۱</sup>

آرمان "محمد حسین فهمیده" برای بسیاری از نوجوانان حزب اللهی ما آنچنان درخششی یافت که هنوز هم بعد از گذشت پنج سال از آغاز جنگ تحمیلی، و آن همه ناملایمات و سختی‌ها، از بین نرفته است. این یک گرایش فطری انسان است که در فرار از حرکت خویش در مسیر زندگی، اسوه‌هایی - یا به تعبیر غربی‌ها، قهرمان‌هایی - آرمانی انتخاب می‌کند و از آن پس همواره می‌کوشد تا خود را با آن نمونه‌های آرمانی به طور کامل تطبیق دهد. اما نه اینچنین است که این جاذبه فطری همیشه در جهات سوء عمل کند؛ تقلید که یک نیاز ذاتی بشری است از یک طرف در جامعه شیعیان به

وحدت و یک پارچگی جامعه در اطاعت از احکام شرع و عقل می‌انجامد، اما از طرف دیگر، همین خصوصیت فطری تقلید (البته به معنای غیر فقهی آن) کار را بدانجا می‌کشاند که این گفته مصداق پیدا کند: "خلق را تقلیدشان بر باد داد."<sup>۲</sup>



گمان نمی‌کنم تردیدی وجود داشته باشد که امروز تلویزیون ایران عقیف‌ترین تلویزیونی است که در سراسر جهان وجود دارد هر چند کاملاً بر معیارهای اسلامی مبتنی نیست و از فضای غربزده حاکم بر مجامع هنری و تبلیغاتی ما جان سالم به در نبرده است. اگر بتوان از لفظ "سالم" استفاده کرد، مسلماً سالم‌ترین فیلم‌های تبلیغاتی که در جهان پخش می‌شود همین فیلم‌هایی است که در تلویزیون خودمان می‌بینیم، اما با این همه، برای جذب سرمایه‌های مردم در بانک‌های صادرات و تجارت ناچار از جاذبه مادی پیکان و سکه‌های بهار آزادی سود می‌جویند، یعنی به ناچار بر طبق توصیه مشهور هیتلر "پست‌ترین غرایز بشر" را آماج پروپاگاندا خود قرار داده‌اند.<sup>۳</sup>



لحن و محتوای تبلیغات تلویزیونی ما اکثراً به گونه‌ای است که تو گویی امت مسلمان را نیز باید با استفاده از حیل‌های روانشناسانه فریفت و آنان را به صحنه‌های

۱- جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، حکایت فروختن صوفیان بهیمه مسافر را....

۲- توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۱۷-۱۸

۳- توسعه و تمدن مبانی غرب، ص ۹۴-۹۵

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۲، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱۴، ص ۶۰

جانفشانی و ایثار کشاند، غافل که اگر تبلیغات غربی بر غفلت و فریب مردم استوار است، بالعکس، تبلیغات ما باید بر آگاهی آن‌ها تکیه داشته باشد. حضور یکپارچه امت ما در صحنه‌های جهاد فی سبیل الله نشان دهنده این معناست که آنان با خودآگاهی کامل از سر تبعیت امیال و غرایز پست و حیوانی خویش باز کشیده‌اند و دیگر نمی‌توان آنان را به شیوه غربی‌ها با حیل‌های روانشناسی اجتماعی به حضور در صحنه‌های سیاست وادار کرد.<sup>۱</sup>



نباید فراموش کرد که همواره "ضعف‌ها"ی ماست که شیطان را به طمع می‌اندازد و در این مورد نیز ضعف‌های ما را باید در ایجاد شرایط آماده برای تبلیغات و عملیات روانی دشمن دخیل دانست.<sup>۲</sup>

## مخاطب و تلویزیون

در آغاز دهه هشتاد میلادی واقعه بسیار شگفت‌آوری در کره زمین روی داد که غرب را از خواب غفلتی که به آن گرفتار آمده بود خارج کرد. در نقطه‌ای از کره زمین که یکی از غلامان خانه‌زاد کاخ سفید حکومت می‌کرد، ناگهان میلیون‌ها نفر از مردم

۱- توسعه و تمدن، ص ۹۵

۲- آغازی بر یک پایان، ص ۳۲

از خانه‌ها بیرون ریختند و فارغ از ملاحظات و معادلات غریزی مربوط به حفظ حیات، سینه در برابر گلوله‌ها سپر کردند و ارتشی هم که ده‌ها میلیارد دلار خرج آن شده بود به انفعالی گرفتار آمد که چاقو در برابر دسته خویش دارد؛ چاقو دسته‌اش را نمی‌برد. مردم چه می‌خواستند؟ عجیب اینجاست. مردم چیزی می‌خواستند که هرگز با عقل حاکم بر دنیای جدید جور در نمی‌آمد: حکومت اسلامی. نمونه‌ای هم که برای این حکومت سراغ داشتند به سیزده قرن پیش باز می‌گشت. مردم ایران این "پیام" را از کدام رادیو و تلویزیون، فیلم و یا تئاتری گرفته بودند؟ این پرسشی بود که غرب نمی‌توانست به آن جواب گوید.<sup>۱</sup>



در درون خانه، تلویزیون روابط متقابل اعضای خانواده را با یکدیگر بریده است و با وجود یک تلویزیون روشن، دیگر جمع واحدی در خانه تشکیل نمی‌شود. همه فرد فرد، جدا از هم نشسته‌اند و رابطه‌ای فردی بین خود و تلویزیون برقرار کرده‌اند. این سخن را همه ما بارها از خانم‌هایی که خودشان غرق در تلویزیون نیستند خطاب به شوهرانشان شنیده‌ایم که "با من ازدواج کرده‌ای یا با تلویزیون؟" این جمله از یک سو بیان یک واقعیت بسیار دردناک است و از سوی دیگر مبین این نکته است که در میان ما هنوز نظام سنتی و مسلکی در پای نظام تکنولوژیک زندگی مدرن قربانی نشده

است.<sup>۱</sup>

تعارضاتی که بین معتقدات اقشار مختلف مردم وجود دارد، رسیدن به یک وحدت نظر و عمومیت را محال می‌سازد. مقصود از "مردم" کدام یک از اقشار مختلف مردم هستند؟ از سوی دیگر، قبل از هر چیز باید با این پرسش بزرگ‌تر جواب گفت که آیا وظیفه تلویزیون اجابت دعوات مردم و سرگرم کردن آنهاست و یا تعلیم و تربیت آنها؟ اگر تعریف ما از مردم همان باشد که اکنون در حکومت‌های ظاهراً دموکراتیک موجود است، این مردم از مسائل جدی و تربیتی و همه آنچه شرکت فعال آنها در تفکر و تعقل طلب کند می‌گریزند. "لذت پرستی" اصل مطلوب و غالب تفکر عام مردم در مغرب زمین است. با این تفکر، وظیفه تلویزیون همان است که در قسمت دوم از این چهار مقال بدان اشاره رفت، و اگر نه خواه ناخواه باید منتظر باشیم که تلویزیون از عهده جذب همه مردم بر نیاید و بخش عظیمی از اقشار جامعه در جست و جوی غفلت‌دهی که آنها را از خود غافل کند، روی به شبکه‌های ویدیویی و فیلم‌های قاچاق بیاورند. این یک تعارض حل‌ناشدنی است و مسئله‌ای است خاص جوامعی مذهبی چون ما که از یک سو حفظ دین و دینداری را بر خود فرض می‌دانیم و از سوی دیگر، رسانه‌هایی چون تلویزیون را هم نمی‌خواهیم از دست بدهیم. اگر در غرب

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۰-۶۱

توانسته‌اند قالب‌های جذابی برای انواع موضوعات مطروح در برنامه‌های تولیدی تلویزیون بیابند، بدین سبب است که آنها در جامعه خویش گرفتار این تعارض که عرض کردم نیستند و بنابراین، در جست و جوی جواب این مسئله و حل این تعارض نمی‌توان روی به غرب آورد، چرا که اصلاً مسائلی چنین، فقط مبتلابه جوامعی چون ماست و در هیچ یک از اعصار تاریخی و درمیان هیچ یک از اقوام دیگر نظیر ندارد.<sup>۱</sup>



بیماری ژورنالیسم به این علت بر جان همه مجلات افتاده است که ناچارند "ذوق عامه" را رعایت کنند و رعایت ذوق این مخاطب عام، کار را به آنجا می‌کشاند که رادیوها و تلویزیون‌ها و سینماها و مجلات و حتی کتب، پُر می‌شود از مطالبی سطحی و تفنی، داستان‌هایی احساساتی و مبتذل، دانستنی‌ها و دیدنی‌ها و شنیدنی‌هایی اعجاب‌انگیز و ... آن هم باز زبانی که رفته رفته، به علت رعایت فهم عموم، به زبان محاورات روزمره نزدیک می‌شود و از زبان حقیقی که زبان قُرب و معرفت است دور و دورتر می‌گردد.<sup>۲</sup>



این مخاطب عام بشری است "از خود گریز و اهل تفنن" که چون اهل تفنن است، خود را به هر لذتی تسلیم می‌کند و رشته اختیارش را با سهولت به هر چیزی می‌سپارد

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۰

که این لذت را به او ارائه کند. این مخاطب عام، بشری است که از خود و عقل و وجدان خویش می‌گریزد و از هر آنچه بخواهد او را از سطح عالم به عمق آن بکشاند بیزار است و چون غالباً صاحب اکثریت است، خود به خود از این "حق" برخوردار شده که "ذوق" خود را در همه جا و بر همه چیز تحمیل کند. رادیو و تلویزیون و سینما و مجلات و حتی کتب از آن اوست. همه برنامه سازان رادیوها و تلویزیون‌ها سخن از این می‌گویند که "اکثریت" مخاطب ماست؛ فیلمسازها هم، مجلات نیز. و این اکثریت کیست؟ اکثرهم للحق کارهون.<sup>۱</sup>

رادیوها و تلویزیون‌ها واحدهایی برای ارزشیابی برنامه‌ها تأسیس کرده‌اند که کارشان ارزشیابی برنامه‌ها بر محور قبول اکثریت است. برنامه‌ای بهتر است که در میان اکثریت بیننده بیشتری داشته باشد؛ و این اکثریت کیستند؟

یکی از فرماندهان عزیز "قرارگاه رمضان" می‌گفت که شب‌های دوشنبه در تلویزیون عراق سریالی پخش می‌شود که عکس العمل عجیبی دارد؛ سریال تلویزیونی پُر "جاذبه" ای که مصری‌ها راجع به زندگی صدام حسین ساخته‌اند. در آن شب، در شهرها و روستاها، همه جا خلوت می‌شود و مردم در پای تلویزیون‌ها برای سختی‌ها و

۱- بیشتر آنان از حق کراهت دارند؛ مؤنون/۷۰

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۵۹

مرارت‌های دوران کودکی و جوانی صدام اشک می‌ریزند. در دورترین روستاهای خاموش گردنشین نیز مشکل تماشای سریال توسط یک ژنراتور برق حل شده است و شب‌های دوشنبه حتی کردهای مبارز نیز در پای تلویزیون برای رنج‌های یکی از بزرگ‌ترین جنایت کاران تاریخ بشر اشک می‌ریزند. به راستی عجیب است!<sup>۱</sup>



آن مخاطب عام که گفتیم، سلايق خود را از روزنامه‌ها و مجلات ژورنالیستی، ترانه‌های روز، سینمای تجارتي، برنامه‌های مصرفی روزمره رادیو و تلویزیون و ... می‌گیرد، و این همه غرقابی است از ابتدال، سطحی نگری، بی‌دردی، تفنن، بی‌مایگی و نان را به نرخ روز خوردن.<sup>۲</sup>

## بیماری تلویزیون

عمل رسانه‌های جمعی و یا دستگاه‌های رسمی فرهنگی و هنری ما در برابر غرب حکایت از نحوی انفعال سرطان وار و لاعلاج دارد که با این سخن‌ها و به این راحتی‌ها درمان نمی‌شود. تنها تلویزیون بیمار نیست.<sup>۳</sup>



۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۰

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۸

۳- رستاخیز جان، ص ۱۰۰

وجه مشترک تلویزیون و سیمای پس از انقلاب در آنجاست که هیچ کدام غرب را دشمن فرهنگی خویش نمی‌دانند و علت این امر را نیز باید در آنجا جستجو کرد که از یک سو اصلاً غرب را نمی‌شناسد و از سوی دیگر اصلاً انگیزه‌ای برای مبارزه ندارند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

تلویزیون نیز گرفتار سیاست زندگی است و از لحاظ هنری همان مرضی را دارد که فیلم فارسی قبل از انقلاب به آن مبتلا بود.<sup>۲</sup>

\*\*\*

همه مظاهر تمدن غرب - از جمله سینما و تلویزیون - نیز در تبعیت از این اشتباه عام، بی آنکه نیازهای حقیقی بشر را از نیازهای کاذب او تمیز دهند، بشر را از دریچه نیازهایش می‌نگرند. آیا نیاز به سیگار یا خمر حتی برای سیگاری‌ها و دائم‌الخمرها یک نیاز حقیقی است؟ بخش عظیمی از نیازهای کاذب بشر امروز مربوط به "عادات و ملکاتی" است که خود بر خلاف ذات خویش، برای خود ساخته است. وظیفه ما آزاد ساختن مرغ باغ ملکوت فطرت آدمی از قفس عادات و تعلقات است، نه گردن نهادن به حاجات کاذب او. با گردن نهادن به این حاجات، دیگر هرگز طایر قدس وجود آدمی راهی به سوی آسمان‌رهایی نخواهد یافت.<sup>۳</sup>

\*\*\*

ژورنالیسم تنها بیماری مجلات نیست، اگرچه پیش از همه در مجلات بروز کرده است؛ سینما و رادیو و تلویزیون و ... نیز به همین مرض مبتلا هستند، و نمی‌توانند که نباشند. می‌گویند مطالب جدی خریدار ندارد، و این حقیقتی است. وقتی مناسبات "تولید و مصرف" به تبع تمدن امروز بر همه چیز غلبه یافته، بسیار متوقع است که آثار هنری و تبلیغاتی نیز به "اشیایی مصرفی" بدل شوند. کیفیت تولید همواره تابع ذوق مصرف کننده است، و چگونه می‌تواند که نباشد؟<sup>۱</sup>

\*\*\*

غالب فیلمسازان عرصه سینما و تهیه کنندگان بر اساس دستور العمل "آسه برو، آسه بیا" اصلاً سعیشان بر عبور از کنار مسائل مبتلا به انقلاب و مردم است و بنابراین، فیلم‌های سینما و تلویزیون عموماً از لحاظ تاریخی و اجتماعی، معاصر مردم و شریک در مسائل آن‌ها نیستند.<sup>۲</sup>

\*\*\*

... اما از جانب دیگر، این فیلم هم به همان بیماری اپیدمی سینمای کنونی ایران مبتلاست، یعنی "عدم ارتباط و دلبستگی با وضع سیاسی و اجتماعی خاصی که ایران به عنوان یک کشور انقلابی و اسلامی دارد." جایی که حتی بوق‌های تبلیغاتی غرب نمی‌توانند ایران را منهای این هویت بارز تصور و ترسیم کنند، روشنفکران و هنرمندان داخل کشور غالباً دچار غفلتی مزمن و تاریخی هستند که با صدای انفجار

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۰

۲- آینه جادو، ج ۲، ص ۵۵

۱- رستاخیز جان، ص ۱۰۰

۲- رستاخیز جان، ص ۱۰۰

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۳

موشک‌های دوازده متری هم شکسته نمی‌شود. سینمای کنونی ایران نیز به همین غفلت تاریخی دچار است و در تبعیت از فیلمسازها به سوی مضامینی گرایش پیدا کرده که کاملاً "بی‌خطر" است؛ این ضرورتی است که بسیاری از فیلم‌های داستانی بعد از پیروزی انقلاب را، چه در تلویزیون و چه در سینما، به سمت مسائل اخلاقی کشانده است.<sup>۱</sup>

تلویزیون نیز هرگز درباره تأثیر آنچه پخش می‌کرد نمی‌اندیشید چرا که اصولاً تلویزیون گرفتار روزمرگی است. فشارهایی که از طریق آنتن و ترکیب ناهمگون مخاطبان بر تلویزیون وارد می‌شود هرگز اجازه نمی‌دهد که خودش را ارزیابی کند.<sup>۲</sup>

سیستم آموزش کنونی در ایجاد این روحیه مادی‌گرایانه دارای نقش اساسی و رکنی است، و بعد از آن، رسانه‌های گروهی خصوصاً رادیو و تلویزیون وظیفه حفظ و استمرار این روحیه را در میان مردم بر عهده گرفته‌اند. این روحیه که با لابی‌گری، تفنن‌گرایی، عدم برخورد جدی با مسائل و ... همراه است ناشی از اصالت دادن به وجوه مادی و حیوانی وجود بشر است که از عدم اعتقاد به "روح مجرد" و "عالم امر" نتیجه می‌شود.<sup>۳</sup>

آنچه که مسلم است این است که ساختمان نظام جمهوری اسلامی بر اصولی شکل گرفته است که ضعف‌های فردی و جزئی را در موجودیت کلی خود مستحیل می‌کند و این امکان را از بین می‌برد که خدای ناکرده در ذات اسلامی نظام تغییری حادث شود و دشمنان داخلی و خارجی از این لحاظ امید در باد بسته‌اند؛ اما از سوی دیگر، هرگز نباید از این حقیقت غافل شد که آنچه دشمن را طمع کار می‌کند این است که مع الأسف نشانه‌های بسیاری از گرایش‌های لیبرالیستی و غرب‌گرایانه در غالب مؤسسات وابسته به دولت و علی‌الخصوص در مراکز فرهنگی و هنری آن به چشم می‌خورد که چهره مشوهی از نظام جمهوری اسلامی در دیدگان نامحرم می‌نشانند. نگاهی جامع به کتاب فروشی‌ها، گالری‌های خصوصی و غیرخصوصی، موزه‌ها، تئاترها و سینماها، رادیو و تلویزیون، فعالیت‌های فرهنگی و هنری پارک‌ها، هتل‌ها و دیگر مؤسسات تحت پوشش بنیادهای دولتی و نیمه دولتی ...، با صرف نظر از استثنائاتی معدود، دوستان انقلاب را سخت به اضطراب و حیرت می‌اندازد و دشمنان را به طمع. اگر فساد جنسی و غیر جنسی رایج در خیابان‌ها، بازارها و مؤسسات خصوصی و غیر خصوصی را نیز به آنچه گفتیم علاوه کنیم، طرحی از یک توطئه شیطانی گسترده در پس پرده خواهیم دید که پرداختن به آن فرصتی دیگر می‌خواهد.

یک بار دیگر ذکر این نکته ضروری است که انقلاب ما، انقلاب در ارزش‌هاست و بنابراین، در تمامی موارد، قبل از اتخاذ شیوه‌های معمول غربی در مسائل مطروح، باید دید که نسبت آن‌ها با ارزش‌های معهود ما چیست و از سوی دیگر، آیا ما اجازه

۱- آینه جادو، ج ۲، ص ۵۸

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۴۸

۳- توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۱۹۵-۱۹۶

داریم که از پیروزی‌های گذشته خویش در برابر غرب لاکِ غفلتی بسازیم و در آن بخزیم و بیارامیم؟<sup>۱</sup>

## مراکز آموزشی

... و البته ذکر این نکته هم لازم است که از میان مدارس سینمایی کشور ما بیش تر از همه فضای آموزشی دانشکده هنر چنین است که دانشجویان را برای حرفه‌ای و مباحثات بیهوده روشنفکرانه بار می‌آورند، اگر نه، دانشجویان مدرسه صدا و سیما و یا مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی بیش تر جذب محیط کار فیلمسازی می‌شوند و تجربه‌های واقعی، خواه ناخواه آن‌ها را از این اشتباهات که خاص زندگی انتزاعی انتلکتوئلیستی است بیرون می‌آورد.<sup>۲</sup>



چیزی که در سمینار درباره وضعیت آموزشی مدارس سینمایی مطرح کردم این بود که نظام آموزشی در این مدارس غلط است. سینما یک حرفه عملی است؛ قبل از این که احتیاج به حرفه‌ای و مباحث نظری داشته باشد، یک حرفه عملی است. نظام آموزشی هم که بخواهد سینما درس بدهد و دانشجویانی برای فیلم ساختن تربیت کند، بدون شک باید "نظام کارگاهی" داشته باشد. در سینما دانشجویان را باید در حین تجربه

عملی در کار سینما بار آورد، چه در زمینه فیلمنامه نویسی، چه کارگردانی و مونتاژ و ... این یکی از بزرگترین لطماتی است که باعث شده مدارس سینمایی ما حرفه‌ای نباشد و آدم‌های حرفه‌ای از آن‌ها فارغ التحصیل نشوند. محصول این مدارس آدم‌هایی هستند حرفه‌ای؛ آن‌ها بیش تر حرف می‌زنند و مباحث انتزاعی درباره سینما مطرح می‌کنند، ولی به محض این که وارد کار فیلمسازی - می‌شوند، مشخص می‌شود که نمی‌توانند جذب کار تولید حرفه‌ای سینما و تلویزیون بشوند. دانشجویان "مدرسه صدا و سیما" و "مرکز آموزشی فیلمسازی" بهتر از دانشجویان "دانشگاه هنر" جذب فضای حرفه‌ای سینما و تلویزیون می‌شوند. علتش این است که آن‌ها را کمتر برای حرفه‌ای بار می‌آورند، یعنی اصلاً فرصت این را که در این بحث‌های روشنفکرانه و غرب زده سطحی وارد بشوند، ندارند. اما به طور معمول دانشجویان اصلاً فرصت این را که ماهیت سینما را بشناسد پیدا نمی‌کند و کسی هم که می‌خواهد دست او را بگیرد و نجاتش بدهد، معتقد به بحث‌های انتزاعی در سینماست، چرا که اصلاً جذب فضای حرفه‌ای سینما و تلویزیون نشده است. شما تا موقعی که فیلم نسازید نمی‌توانید بگویید که فیلم ساختن یعنی چه. در تجربیاتی که در گروه تلویزیونی "روایت فتح" داشتم، بچه‌هایی بودند که قبلاً تجربه کار سینمایی داستانی داشتند، ولی وقتی به جبهه فرستاده می‌شدند نمی‌توانستند کار کنند. دلیل ضعفشان هم این بود که فقط با مباحث انتزاعی سینما آشنا بودند. آن‌ها اصلاً نمی‌فهمیدند دو نما را باید چگونه بگیرند که به هم بخورد. دانشجویان

۱- آغازی بر یک پایان، ص ۳۲-۳۳

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۳۸-۳۹

ما اینچنین‌اند زیرا نظام آموزشی ما کارگاهی نیست.<sup>۱</sup>



در این فکر بودم که این جماعت سیاستگذاران سینمای ایران، با کمک استادان دانشگاه‌ها و منتقدان مجله "فیلم" و برنامه‌های تلویزیون ... با اتکا به "تئوری مؤلف"<sup>۲</sup> و جشنواره‌های اروپایی عجب ماری کشیده‌اند که دیگر به دانشجویان سینما نمی‌توان فهماند که "مار" را واقعاً چطور می‌نویسند! و چاره‌ای هم نیست، چرا که هرچه به سطحی نگری و ظاهر گرایی عقل متعارف غرب زده نزدیک‌تر باشد، آسان‌تر مورد قبول واقع می‌شود.<sup>۳</sup>

## نمونه‌ها

یکی از نکاتی که در کشورهای میزبان فیلم‌های سینمایی ما، چه در میان اجنبی‌ها و چه در میان ایرانیان از وطن گریخته، ایجاد شگفتی کرده این است که چرا سینمای بعد از انقلاب به طور مستقیم یا غیر مستقیم در خدمت عرضه و تبلیغ پیام انقلاب قرار نگرفته است. اگرچه ما این خصوصیت را به وجود آزادی و عدم محدودیت‌های دست

۱- آینه جادو، ج ۳، ص ۱۰۳

۲- auteur theory؛ نظریه‌ای در فیلمسازی که بر مبنای آن، کارگردان (به مثابه "هنرمند مدرن") خالق اصلی فیلم است.

۳- آینه جادو، ج ۳، ص ۳۸

و پا گیر سیاسی و اعتقادی تفسیر کرده‌ایم، اما بدون رودربایستی باید بر این حقیقت نیز اعتراف داشته باشیم که اصلاً از میان هنرمندان بنام سینما کسی معتقد به تفکر انقلابی ما نبوده است که در صدد تبلیغ آن برآید و از میان سینماگران مؤمن نیز، جز یکی دو نفر، اسیر سحر شیطانی "انتلکتوئلیسم" و هنرمند مآبی "شده‌اند و فیلم‌های آنان نیز رنگی "خودبینانه و خود بنیادانه" یافته است و کسی که در دام "خودبینی و خود بنیادی منور الفکرانه" بیفتد، دیگر نمی‌تواند جز برای "اثبات خویش" فیلم بسازد. بسیاری از آنان نیز که خود را از این دام‌ها مصون داشته‌اند، با این پیشداوری که قالب‌های هنری غرب هر نوع پیام و محتوایی را می‌پذیرد، ساده لوحانه گرفتار ابتذال شده‌اند و آثاری تولید کرده‌اند که نظیر آن را فی‌المثل در فیلم‌های سینمایی تلویزیون بسیار می‌توان یافت، فیلم‌هایی که قهرمانانشان پاسداران کمیته و یا رزم آوران جبهه‌های نبرد هستند، اما اعمال خدایی این بندگان خوب خدا را تا سطح شعارهایی متظاهرانه و بی‌ارزش پایین می‌آورند.<sup>۲</sup>



۱- منور الفکری.

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۶



تصور من از "راسکولنیکوف" در داستان "جنایت و مکافات" با آنچه در فیلم تلویزیونی "جنایت و مکافات" پخش شد کاملاً متفاوت بود. فیلم تلویزیونی "جنایت و مکافات" تصورات مرا درباره کتاب به هم می‌ریخت و این مرا تا آنجا به خشم می‌آورد که اصلاً حاضر نشدم فیلم را تا پایان ببینم. کارگردان این فیلم به ناچار تصورات خودش را از کتاب "جنایت و مکافات" تصویر کرده بود. این امر مبین همان تفاوت ماهوی است که میان کلام و تصویر وجود دارد.<sup>۲</sup>

سریال "در برابر باد" هرگز نتوانست جایگاهی چون اوشین در میان مخاطبان تلویزیون پیدا کند و علت آن این بود که فضای فیلم و شخصیت‌های آن برای مردم ما آشنا نبود.<sup>۳</sup>

تلویزیون از حاصل تجربیات دویست ساله ژورنالیست‌ها در تهیه مجلات استفاده می‌کند. در نامگذاری بسیاری از برنامه‌ها، همچون "مجله ورزشی" و "مجله خانواده"

۱- crime and punishment (۱۸۶۶م)، رُمانی از فیودور داستایوسکی (۱۸۱-۱۸۲۱م)، نویسنده بزرگ روسی.

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۳۹

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱

این واقعیت ظهور پیدا کرده است.<sup>۱</sup>



مخاطب عام سینما آدمی است اسیر عادات و تعلقات رنگارنگ و اینچنین، برای آزادی خویش اهمیتی قائل نیست و به راحتی از آن در می‌گذرد و عنان عقل و اختیار خویش را به دست باد رها می‌کند. او آدمی احساساتی و شدیداً تأثیر پذیر است، چرا که تأثراتش بر بنیان‌های ثابت روحانی استوار نیست. خیلی زود به شگفت می‌آید و می‌خندد و یا گریه می‌کند، اما نه خنده و نه گریه‌اش عمق ندارد. نقطه توجه "مُد روز"، آدم‌هایی چنین هستند. "سینمای تجارتي" در سایه اقبال مخاطبی اینچنین رشد کرده است. گوش شنوای تبلیغات تجارتي نیز همین‌ها هستند. سریال‌های تلویزیونی "تلخ و شیرین"، "سال‌های دور از خانه"، "مجله پیتون" و ... نیز برای مخاطبی اینچنین ساخته می‌شود. "هشیار و بیدار" نیز گیاه‌های هرزی هستند که در آفتاب وجود تماشاگرانی اینچنین رشد می‌کنند. برنامه "سلام، صبح بخیر" به شنوندگان اینچنین سلام می‌کند. داستان‌های دنباله دار مجلات نیز برای همین‌ها نوشته می‌شود و قس علی هذا.<sup>۲</sup>



وقتی نظر غالب دست اندرکاران صاحب تصمیم در ارگان‌ها و رسانه‌های فرهنگی

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۴۱

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۵

جمهوری اسلامی این است که سینما و تلویزیون وظیفه‌ای جز پُر کردن ساعات فراغت مردم با تفنن و تفریح ندارد، دیگر چگونه می‌توان امیدوار بود که ذائقه بیمار تماشاگران سینما و تلویزیون معالجه شود؟ آن وقت به راعی توصیه می‌کنند که: "برو فیلمی بساز مثل "پرواز عقاب‌ها"<sup>۱</sup>! این ادا و اطوارهای حزب الهی به چه درد می‌خورد؟"<sup>۲</sup>

سازندگان فیلم‌های "افق" و "روزنه" دچار این تصور اشتباه شده بودند که حتی بهشت و عالم ملکوت را نیز می‌توان مستقیماً و با صراحت نشان دارد. اما نمی‌توان بهشت حقیقی مجرد و غیر مادی است و امری اینچنین را نمی‌توان مستقیماً به زبان تصویر ترجمه کرد. تصویر باغ‌های دنیایی به هیچ چیز جز باغ‌های دنیایی دلالت نخواهد کرد و این توقعی بسیار ساده لوحانه است که ما بخواهیم بهشت را نیز با همین گل و گیاه‌ها و دار و درخت‌ها نمایش دهیم و یا جهنم را با همین آتش‌ها و سیخ و گرز و زنجیر و ... حقایق مجرد جز از طریق سمبلیسم و با زبانی شبیه آنچه ما در رؤیای خویش می‌بینیم نمی‌توانند به قالب تصویر و تجسم دربیایند و بنابراین، این دوستان، حق این بود که بهشت و زیبایی‌های نعمات آن را توسط سمبل‌هایی غیر مستقیم و

۱- احتمالاً مقصود نگارنده فیلم "عقاب‌ها" به کارگردانی ساموئل خاچیکان است، محصول سال ۱۳۶۳.

۲- آینه جادو، ج ۲، ص ۲۱

متناسب، به تصویر بکشند.<sup>۱</sup>



شاید اگر کمی بیش از این تأمل می‌کردیم می‌توانستیم حدس بزنیم که بالأخره همان ضرورتی که پارک ارم و شهر بازی و کلبه بازی و خنده را بار دیگر رواج بخشیده است، همان ضرورتی که کتاب‌های کودکان را به این فضاقت کشانده، همان ضرورتی که برنامه صبح جمعه را علی‌رغم همه مخالفت‌ها حفظ کرده، همان ضرورتی که "هشیار و بیدار" را به تلویزیون آورده تا برای بچه‌ها لالایی غفلت بخوانند، همان ضرورتی که برنامه "دیدنی‌ها" را دیدنی ساخته و همان ضرورتی که پای شعبده‌بازها و آکروباتیست‌ها را به تلویزیون باز کرده است، همان ضرورت بالأخره سینماچی را به آنجا خواهد کشاند که فیلم‌هایی چون "پاتال و آرزوهای کوچک" و "دزد عروسک‌ها" بسازند.<sup>۲</sup>



... و امروز هم تلویزیون با برنامه‌های آبگوشتی یکی از بزرگ‌ترین موانع در برابر رشد سینماست، برنامه‌هایی چون "بهار در بهار" و "ازدواج پر ماجرا" و "جنگ هفته" و غیره. و البته ناشکری نباید کرد و باید اذعان داشت که از این آبگوشت تا آن

۱- آینه جادو، ج ۲، ص ۲۲

۲- آینه جادو، ج ۲، ص ۴۶

آبگوشت که امثال مجید محسنی می‌گفتند، تفاوت از زمین تا آسمان است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

یادم هست در یکی از میان پرده‌های مربوط به هفته بسیج بهداشت کودکان، آقای "بیدار" فقط برای آنکه این پیام خبری ساده را به مردم برساند که در هنگام اسهال به بچه "او. آر. اس" می‌دهند، کم مانده بود که در جلوی دوربین به طور ناقص (!) "استریپ تیز"<sup>۲</sup> کند و این درد غالب برنامه‌های تلویزیونی مخصوص بچه‌هاست: "عدم تناسب قالب و محتوا". این مسئله در مورد فیلم‌های "پاتال و آرزوهای کوچک" و "دزد عروسک‌ها" نیز وجود دارد: کودک در هنگام تماشای فیلم، قبل از آنکه بتواند رابطه‌ای عقلی با پیام فیلم برقرار کند، پیوندی کاملاً بی‌واسطه و احساسی و عاطفی با فضاهای فیلم، رنگ‌ها، پرسوناژها، حوادث، رابطه بین حوادث و اراده آدم‌ها، رابطه عاطفی بین پرسوناژها و نظام اعتقادی نهفته در مجموعه این روابط برقرار می‌کند و در حقیقت، پیام اصلی فیلم که بی‌واسطه انتقال می‌یابد همان "استریپ تیز" است نه این پیام مفهومی که در هنگام اسهال به بچه‌ها او. آر. اس می‌دهند. در اینجا نیز کودک قبل از آنکه به این پیام مفهومی برسد که "بهترین جا برای هرکس همان جایی است که قرار دارد"، تأثیراتی بی‌واسطه که از فضاهای فیلم و روابط موجود

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۴۸

۲- Striptease: نمایشی که شخص در آن به تدریج برهنه می‌شود.

در آن گرفته است و فی‌المثل عملاً در ذهن او رابطه میان علت و معلول در هم ریخته و یا این آرزوی فریبنده در وجود او بیدار شده است که او هم جادوگری چون پاتال داشته باشد. صدق این مدعا عملاً برای خود بنده مورد تجربه قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

مجموعه تکنیک و مضمون فیلم ممکن است محصول مبتدلی پدید بیاورد، حتی اگر مضمون فیلم اخلاقی باشد؛ یا ممکن است خلاف آن پیامی که در مضمون است عمل کند. نمونه‌اش بسیاری از فیلم‌هایی است که در تلویزیون و در برنامه "جنگ هفته" نمایش می‌دهند و مضامین آن‌ها غالباً اخلاقی است، مثل "هشدار هفته" یا "آینه عبرت". در این فیلم‌ها چون تکنیک با مضمون هم‌رانی نمی‌کند و سینما صرفاً به عنوان مضمون مطرح است، خلاف هدف خودش عمل می‌کند و نه تنها تبلیغی برای آن پیام خاص نیست بلکه ضد آن هم عمل می‌کند.<sup>۲</sup>

\*\*\*

همین برنامه "جنگ هفته"، که عین ابتذال است. مضامین این برنامه عموماً دینی است، اما تکنیکی که به کار می‌برد در واقع کار را به اشاعه ابتذال می‌کشاند؛ حتی عین ابتذال می‌شود. من حتی تحمل دیدن پنج دقیقه‌اش را ندارم، هر چند باید آن را برای تحقیق درباره "کاربرد یا نقش تکنیک بد در اشاعه ابتذال" دید! از همان آغاز، مجری

۱- آینه جادو، ج ۲، ص ۴۹-۵۰

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۹۵-۹۶

برنامه یک "شومن" است، اما محتوای برنامه "شو" نیست. عدم شناخت تکنیک است که به این انتخاب منجر می‌شود که یک محتوای اخلاقی را در قالب یک "شو" بگنجانند... که البته نمی‌گنجد. کاربرد تکنیک در اینجا آن نیست که مثلاً شما شومن برنامه "جنگ هفته" را از زوایای بهتر فیلمبرداری کنید، خیر؛ ضرورت تکنیک ایجاب می‌کند که شما اصلاً برای چنین برنامه‌ای قالب شو انتخاب نکنید. در واقع این عدم شناخت در عموم برنامه‌های تلویزیون تسری دارد، اما در "جنگ هفته" به طور کامل انعکاس پیدا کرده است و یا مثلاً در سرودها و ترانه‌های متعددی که در "جنگ هفته" اجرا می‌شود، ظرف و قالب، شو است و به تقلید از شوهای غربی انتخاب شده، اما نه خواننده، نه موسیقی و نه محتوای شعرها این اقتضا را ندارند. این است که شما خواننده را می‌بینید که مثل یک چوب خشک آن وسط ایستاده و شعری عرفانی را با یک ملودی ناهمگون و ریتم تند رقص آور می‌خواند! این نمونه بارزی است از ابتذال. یا سریال‌های گروه اجتماعی در ایام عید، "هشدار هفته" و غیره. ابتذال فقط آن نیست که فروزان برقصد یا فردین در حال کوبیدن گوشت آواز بخواند! مصداق ابتذال اتفاقاً بیش‌تر این است که شما یک سوژه اخلاقی را چنان بسازید که تماشاگر از هرچه اخلاق است بیزار شود. اگر من می‌گویم که طرف خطاب سینما نباید صفات رذیلانه و زشت بشر باشد یعنی که نباید مردم را با قنبرک بازی و بلاهت پیرزن سنتی نماز خوانی که بی‌سواد است و با چنگال هر دری را باز می‌کند خندانند. ابتذال یعنی اینکه

شما آنقدر مردم را احمق فرض کنید که فیلم‌هایی چون "تعطیلات نوروزی" یا "میهمان" نشان آن‌ها بدهید.<sup>۱</sup>



فیلم‌هایی که حقیر در تلویزیون دیده‌ام غالباً نه تنها تبلیغ نبوده است بلکه بر مردم تأثیرات منفی نیز گذاشته است و به اصطلاح "ضد تبلیغ" بوده است. دلیلش این است که فیلمسازهای ما خودشان اهل جبهه نیستند، بسیجی نبوده‌اند و تفاوت این جنگ را با سایر جنگ‌ها تشخیص نمی‌دهند و متأسفانه سینما را هم نمی‌شناسند، و البته نباید توقع زیادی هم داشت. در سراسر دنیا خیلی کم هستند کسانی که می‌توانند با سینما آنچه را که می‌خواهند بیان کنند.<sup>۲</sup>



هنر امروز متأسفانه حدیث نفس است و هنرمندان گرفتار خودشان هستند.<sup>۳</sup>



در تلویزیون ما گزارش‌های خبری، کلیشه‌هایی بی‌فایده و باسماه‌ای هستند و مطلقاً فاقد ارزش‌های هنری. من به راستی نمی‌دانم که این سبک کار تلویزیونی از کجا آمده است. اخیراً در عربستان سعودی نیز با گزارش‌هایی مشابه آنچه در تلویزیون

۱- آینه جادو، ج ۳، ص ۱۵۲-۱۵۳

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۰۲

۳- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۱۱

خودمان معمول است مواجه شدم و فکر می‌کنم که این یک اپیدمی مربوط به جهان سوم باشد. در این سوی زمین ما با تلویزیون همچون جعبه جادویی که خیلی کارها از آن بر می‌آید ولی ما شیوه‌های استفاده از آن را در خدمت اهدافمان نمی‌دانیم، رو به رو شده‌ایم.

هدف تبلیغات - حتی در صورت غربی آن، یعنی پروپاگاندا - ایجاد باور در مخاطب است و حال آن که شیوه‌هایی که در تلویزیون ما اتخاذ می‌شود برای سلب باور از مخاطب است. صحنه را به صورتی کاملاً تصنعی می‌چینند، دو تا عکس که بی ارتباط با موضوع گزارش است و فقط این باور را در مخاطب ایجاد می‌کند که همه چیز تصنعی است در یک طرف تصویر می‌گذارند، میکروفون را مثل بستنی جلوی مصاحبه شونده می‌گیرند و یا حتی به دست خودشان می‌سپارند و شروع می‌کنند به پرسیدن سؤال‌هایی کاملاً کلیشه‌ای... و مصاحبه شونده نیز که این کلیشه مشمئز کننده را مثل یک سنت لایزال آفرینش پذیرفته است، شروع می‌کند به بیان جواب‌هایی کلیشه‌ای‌تر از سؤال‌ها. هر سؤال و جواب مربوط به هم، "باکس" مشخصی دارد که عدول از آن ممکن نیست. نمونه این باکس‌ها را در دوران مدرسه، زنگ‌های انشا، به وفور تجربه کرده‌ایم: علم بهتر است یا ثروت؟ البته بر همگان واضح و مبرهن است که علم از ثروت بهتر است... و سخنانی کلیشه‌ای که نه گوینده به آن باور داشت و نه شنونده. فایده‌اش فقط آن بود که یک زنگ انشا را پُر کند و معلم را یک ساعت و نیم به اول

برج که حقوق‌ها را می‌دهند نزدیک کند و دانش آموزان را هم از ساعت‌ها شکنجه طاقت فرسا در مدرسه نجات دهد.<sup>۱</sup>



تلویزیون شاه ذائقه‌ها را به "تلخ و شیرین" و "مراد برقی" عادت داده است و امروز هم وقتی قرار شود برای عید نوروز برنامه‌ها بسازند، تلویزیون سر از "ازدواج پُر ماجرا" درمی‌آورد. باز هم مردم را به هیچ می‌گیرند و بنیان کار را بر ضعف‌ها و عادات و بیماری‌های اخلاقی و سنت‌های خرافه آمیز می‌نهند.

بزرگ‌ترین اشکال این فیلم‌ها در آنجاست که دیگر جایی برای قدرشناسی و ارزیابی درست باقی نمی‌گذارند و مردم را یک بار دیگر به چیزهایی عادت می‌دهند که باید از آن‌ها گرفت. وقتی تلویزیون اینچنین است سینما نیز باید خود را به همین سخافت و ابتذال بیالاید، و اگر نه ... شکست خواهد خورد و تماشاگران خویش را از دست خواهد داد.<sup>۲</sup>



هنر باید راه آسمان را بنمایاند و بالی بلند پرواز باشد برای اعتلای روح.<sup>۳</sup>

۱- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۳۷-۲۳۸

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۵

۳- آینه جادو، ج ۳، ص ۲۶۸

نهادهای فرهنگی و هنری ما برآید- آن است که تلویزیون با پرهیز از شیوه تبلیغ کنونی‌اش که به انقطاع کامل شعارها از شعور باطنی منجر خواهد شد، جذاب‌تر<sup>۱</sup> و فعال‌تر شود.<sup>۲</sup>



... و ما در پذیرش این لوازم و محصولات، بر اختیار خویش عمل نکرده‌ایم و این تمدن، خواه ناخواه، فضای زندگی و مناسبات اجتماعی حیات ما را تصمیم گرفته است. نمی‌توان ماهیت این اشیا را انکار کرد و محتوای متافیزیکی- یا فرهنگی- این ابزار را نادیده گرفت. هر شیئی متناسب با علت غایی وجودش و دعوتی که در آن نهفته، دارای محتوایی فرهنگی است که آن را در اطراف خویش تسری می‌دهد.

خصوصیت بیانی سینما، تلویزیون و حتی ویدئو به ما این امکان را داده است که حتی المقدور تبعات فرهنگی وجود این رسانه‌ها را محدود کنیم و حتی تا آنجا که ماهیت این اشیا اجازه می‌دهد آن‌ها را در خدمت فرهنگ خویش در آوریم.

حدود بیانی این رسانه‌ها از یک سو به زبان تصویر باز می‌گردد و از دیگر سو به ماهیت مستقل این پدیدارها و تمایزاتشان از یکدیگر. زبان تصویر حدود خاص خویش را دارد، اگرچه قابلیت بیانی آن در هریک از این رسانه‌ها با دیگری متفاوت است. میزان

## چه باید کرد؟

چه باید کرد؟... شأن انسان والاتر از آن است که به اسباب و وسایل تعلق پیدا کند و رشد انسان در مسیر تعالی به سوی حق در معارج نهایی به قطع تعلق نسبت به اشیا و یأس از اسباب منتهی خواهد شد. پیشنهاد ما آن نیست که ابزار تکنولوژیک را به دور بیندازیم؛ آنچه که ما باید خود را از آن در امان داریم "مرعوب و مفتون شدن در برابر تکنولوژی" است و تنها در این حالت است که می‌توان "بدون وابستگی"، از علوم رسمی و محصولات تکنولوژیکی آن را در خدمت غایات مقدس دین سود جست.<sup>۱</sup>



برای آنکه سینما در خدمت اسلام در آید باید "حجاب تکنیک سینما خرق شود." شرط اصلی همان تقواست که انسان را به اخلاص می‌رساند و با اخلاص، درهای حکمت نیز بر قلب گشوده می‌شود. تنها راه خروج از ولایت تکنیک و گذشت از متافیزیک غرب، نخست تقواست و آنگاه در پرتو نور حکمت متقین، به تمدن غرب و لوازم و آثار و اجزا و عناصر آن نگریستن.<sup>۲</sup>



... و اما بهترین راه- که البته بنده در وضع کنونی باور نمی‌کنم که از عهده

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۷۱

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۹۱

۱- البته معنای جذابیت از منظر شهید آوینی در بخش جذابیت و تلویزیون توضیح داده شده است.

۲- رستاخیز جان، ص ۱۰۲

احاطه ما بر این رسانه‌ها در عین حال با میزان معرفت ما نسبت به آن‌ها نسبت مستقیم دارد. اگر معرفت ما نسبت به حدود بیانی زبان تصویر با عنایت به خصوصیات هر یک از این رسانه‌ها کامل باشد، چه بسا که از طریق همین پدیدارها که مولود تمدن غرب هستند بتوان با سلطه فرهنگی غرب مبارزه کرد. به عبارت دیگر، میزان اختیار ما نسبت به این رسانه‌ها با میزان معرفت ما نسبت به ماهیت و حدود بیانی این پدیدارها رابطه‌ای مستقیم و غیر قابل انکار دارد.<sup>۱</sup>

فقط تصور اینکه تلویزیون در طول هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها چه حجم وسیعی از برنامه‌ها را می‌بلعد پشت انسان را می‌لرزاند، چه برسد به اینکه ما بخواهیم کیفیت تولید این برنامه‌ها از یک حد مطلوبیت خاصی نیز پایین‌تر نیاید. اگر یک برنامه بلند مدت برای پرورش هنرمندان برنامه ساز نداشته باشیم، همین عامل مذکور می‌تواند ما را تدریجاً به سمت یک خضوع ناخواسته در برابر هنرمندان و متخصصان غیر متعهد به اسلام براند.<sup>۲</sup>

"قالب‌های هنری هر نوع پیام و محتوایی را نمی‌پذیرد و کسی که می‌خواهد در سینما و تلویزیون عوالم غیبی و حال و هوای معنوی انسان‌ها را به تصویر بکشد باید بر

تکنیک بسیار پیچیده این وسایل غلبه پیدا کند و بداند که گستره کارایی این رسانه‌ها تا کجاست."<sup>۱</sup>

برای ادراک ماهیت تلویزیون باید سینما را شناخت و برای شناخت سینما باید درباره رُمان نویسی اندیشه کرد.<sup>۲</sup>

یکی از مهم‌ترین حجاب‌هایی که باید خرق شود مسئله "جذابیت" است که باید آن را از لوازم ذاتی سینما و تلویزیون دانست. در تلویزیون این مسئله صورت پیچیده‌تری پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

جذابیت از لوازم ذاتی سینماست و از این نظر بین سینمای تجارتي و غیر تجارتي تفاوتی نیست. سینمای غیر تجارتي و بالاخص سینمایی که می‌خواهد در خدمت اسلام قرار بگیرد، اگرچه نمی‌تواند مسئله جذابیت را به طور کامل نفی کند، اما باید بتواند از آن "عبور کند".

سینمای تجارتي به مسئله جذابیت اصالت می‌دهد و مخاطب خویش را نیز همواره

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۱۶

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۲۱

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۵۸

۱- رستاخیز جان، ص ۱۱۰-۱۱۱

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۸۳

انسانی فرض می‌کند ضعیف، بی اختیار، عجول، جهول، احساساتی، اهل تفنن، قدرت طلب و ... یعنی بنیان خطاب خویش را همیشه بر ضعف‌های روحی بشر قرار می‌دهد. سینمایی که می‌خواهد در خدمت اسلام باشد باید روی خطاب خویش را به فطرت الهی انسان بازگرداند.<sup>۱</sup>



اگر ما بخواهیم در سینما روی خطاب خویش را همچون انبیاء به فطرت الهی انسان بگردانیم - که برای استخدام سینما در خدمت اهداف متعالی اسلام چاره‌ای جز این نیست - باید "کیفیت تأثیر گذاری عناصر بیانی سینما" را خوب بشناسیم.<sup>۲</sup>



اگر ما بخواهیم هنر امروز را در خدمت اسلام درآوریم، باید آفاق تذکر و تفنن را با یکدیگر اشتباه نکنیم... مردم عموماً به سینما و تلویزیون به عنوان وسایلی که "ساعات فراغت" آن‌ها را پُر می‌کند می‌اندیشند و نباید تصور کرد که در این انگاره به اشتباه رفته‌اند ... پُر کردن ساعات فراغت مردم نیز، در این روزگار، نیازی است که باید برآورده شود. اما آیا ارتباط جمعی و پُر کردن ساعات فراغت مردم، با ذکر و تذکر و تفکر قابل جمع نیستند؟<sup>۳</sup>



نگارنده می‌داند که این سخن به مذاق عموم برادران مؤمنی که با قصد "اسلامی کردن سینما" پای در این وادی پُر خطر نهاده‌اند نیز خوش نخواهد آمد. آن‌ها عموماً چنین می‌اندیشند که برای رسیدن به مقصود، تنها نوشتن داستان‌هایی که رنگ و بوی دینی داشته باشد کافی است و با ساده انگاری می‌پندارند که چون داستان نوشته شد، اصل کار به پایان رسیده است و از آن پس، آنچه باقی می‌ماند این است که برای شخصیت‌های داستان هنرپیشه‌هایی مناسب جور کنیم و الی آخر ... نتیجه چنین تصویری بلا تردید "ادبیات مصوّر" است، حال آنکه سینما در معنای حقیقی خویش دارای ماهیتی مستقل و فارغ از ادبیات است. ... برادرانی که صادقانه قصد دارند سینما را در خدمت اسلام در آورند، یقین داشته باشند که اگر "اخلاقی‌ترین داستان‌ها" را نیز با این ساده انگاری "مصوّر" کنند، محصول کار هرگز آنچنان که آن‌ها می‌خواسته‌اند نخواهد شد. البته معده بزرگ سینما و تلویزیون مصرفی هرچه را که به آن بدهند هضم خواهد کرد، اما هنر و هنرمندی به معنای حقیقی لفظ، مقتضیات دیگری دارد.

سینما زبان بسیار پیچیده‌ای دارد که هرگز در خدمت بیان معانی در نمی‌آید، مگر آنکه آن را بشناسیم. اگر ما با ساده انگاری - آنچنان که مع الأسف این روزها در میان برادران ایمانی ما بسیار شایع است - پای در این وادی پُر خطر بگذاریم، بلا تردید این

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۶۸

۲- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۶



ما هستیم که "مسخر تکنیک سینما" خواهیم شد.<sup>۱</sup>



هنرمند آینه‌ای است که اگر صیقلی نباشد، صورت زیبای حقیقت را مشوه و کج و معوج می‌نماید؛ پس هنرمند از آن حیث که واسطه ظهور حق در عالم است باید به تزکیه نفس پردازد و میزان توفیقش را در این امر با میزان هنرمندیش رابطه‌ای مستقیم دارد. دوستان عزیز ما، آنان که می‌خواهند پای در عرصه هنر متعهد بگذارند و خود را نسبت به ایجاد تحول اخلاقی در انسان‌ها مسئول می‌دانند، باید بدانند که اولین شرط کار "تزکیه نفس" است. روح هنرمند لزوماً در آثارش بروز و ظهور می‌یابد و با هیچ حيله‌ای نیز نمی‌توان مانع از این ظهور شد. کار هنری، و بالاخص فیلم، باطن صاحب خویش را "لو" می‌دهد و او را رسوا می‌کند.<sup>۲</sup>



این امر پیش از آنکه به برنامه‌های تلویزیون ارتباط پیدا کند به آن "جادوی پنهان" یا "بار ناخود آگاه" ارتباط دارد که در ذات تلویزیون نهفته است و اینکه نظام زندگی ما اکنون ضرباهنگ خویش را نه از "دین" که از "تکنولوژی" می‌گیرد.<sup>۳</sup>

۱- آینه جادو، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰

۲- آینه جادو، ج ۲، ص ۲۰

۳- آینه جادو، ج ۱، ص ۶۰

## نامه

**سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی به مقام معظم رهبری**

خدمت رهبر معظم انقلاب اسلامی، نائب امام عصر علیه السلام حضرت آیت الله خامنه‌ای ایدکم الله تعالی بتأییداته الخاصه.

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

امثال امر فرصتی برای عرض ارادت در این مرقومه باقی نمی‌گذارد، لذا حقیر مستقیماً با استمداد از فضل بی منتهای رب العالمین وارد در اصل مطلب می‌شوم بعد از عرضی مختصر که: ما با حضرت تعالی به عنوان وصی امام امت علیه السلام و نایب امام زمان علیه السلام تجدید بیعت کرده‌ایم و تا بذل جان در راه اجرای فرامین شما ایستاده ایم، همانگونه که پیش از این درباره امام امت علیه السلام بوده‌ایم و بسیارند هنوز جوانانی که عشق به اسلام و شوق رضوان حق آنان را در میدان انقلاب نگاه داشته است با همان شوری که پیش از این داشته‌اند، خدا شاهد است که این سخن از سر کمال صدق و از عمق قلوب همان جوانانی سرچشمه گرفته است که در تمام این هشت سال، بار جنگ را بر شانه‌های ستبر خویش کشیدند.

ما به جهاد فی سبیل الله عشق می‌ورزیم و این امری است فراتر از یک انجام وظیفه خشک و بی‌روح. این سخن یک فرد نیست، دست جماعتی عظیم است که به سوی حضرت شما دراز شده تا عاشقانه بیعت کند، بسیاری کسانی که می‌دانند شمشیر زدن در رکاب شما برای پیروزی حق از همان اجری در پیشگاه خدا برخوردار است که شمشیر زدن در رکاب حضرت حجت علیه السلام و نه تنها آماده، که مشتاق بذل جان هستند. سر ما و فرمان شما.

کمترین مطیع شما سید مرتضی آوینی<sup>۱</sup>

### فهرست منابع

- صحیفه نور، امام خمینی، جلد‌های ۹، ۱۰، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۶ و ۱۹
- حکومت فرزنانگان، مروری بر مبانی حاکمیت سیاسی در اسلام، سید مرتضی آوینی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی، غنچه، سال ۸۲، چاپ اول.
- آغازی بر یک پایان، سید مرتضی آوینی، چاپ دوم، سال ۸۱، نشر ساقی، تهران.
- توسعه و مبانی تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، چاپ سوم، سال ۸۱، ساقی، تهران.
- آینه جادو، جلد ۱، سید مرتضی آوینی، چاپ دوم، سال ۷۹، تهران، ساقی.
- آینه جادو، جلد ۲، سید مرتضی آوینی، چاپ دوم، سال ۸۱، ساقی تهران.
- آینه جادو، جلد ۳، سید مرتضی آوینی، چاپ دوم، سال ۸۱، تهران، ساقی
- رستاخیز جان، سید مرتضی آوینی، چاپ اول، سال ۷۹، ساقی، تهران
- سینمای اشراقی از دیدگاه شهید آوینی، محمد مدد پور، بنیاد سینمایی فارابی، چاپ اول، ۷۷، تهران.
- همسفر خورشید، یادنامه سالگرد شهادت سید مرتضی آوینی، علی تاجدینی، قبله، سال ۷۳، بی جا.
- فردایی دیگر، سید مرتضی آوینی، چاپ اول، سال ۸۱، ساقی، تهران.
- نرم افزار نور
- سایت مقام معظم رهبری

## فهرست

۷	مقدمه
۱۱	گزیده فرمایشات امام خمینی پیرامون تلویزیون
۲۱	گزیده فرمایشات مقام معظم رهبری پیرامون تلویزیون
۳۳	ماهیت تلویزیون
۴۳	سینما و تلویزیون
۵۲	تلویزیون و اوقات فراغت
۵۷	تلویزیون و کودک
۶۱	جذابیت و تلویزیون
۶۵	تبلیغ و تلویزیون
۶۸	مخاطب و تلویزیون
۷۳	بیماری تلویزیون
۷۸	مراکز آموزشی
۸۰	نمونه ها
۹۲	چه باید کرد

نامه شهید آوینی به مقام معظم رهبری

فهرست منابع

فهرست

۹۹

۱۰۱

۱۰۳

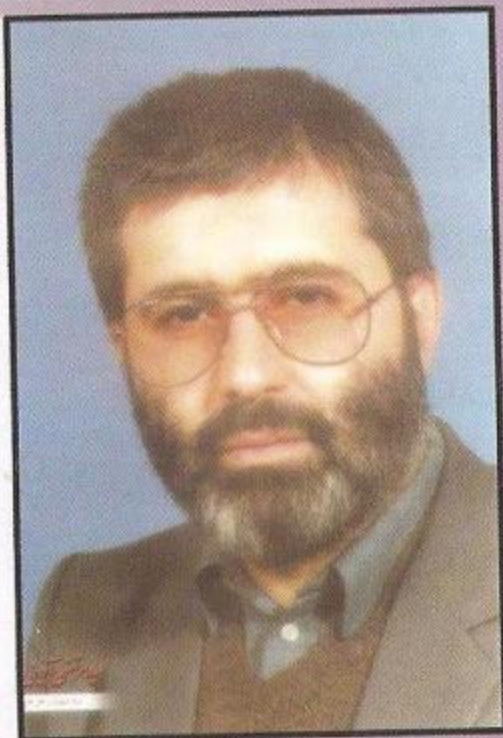
### هو الشهید

کانون فرهنگی نور الشهدا از سال ۱۳۷۸ با بخش‌های کتابخانه تخصصی انقلاب و دفاع مقدس، بانک سی دی تخصصی انقلاب و دفاع مقدس، برپایی نمایشگاه‌های انقلاب و دفاع مقدس و پخش محصولات فرهنگی انقلاب و دفاع مقدس گامی در جهت حفظ ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس گذاشته است. علاقه‌مندان به همکاری در این زمینه می‌توانند با شماره تلفن ۰۹۱۲۵۲۱۸۵۷۰ تماس حاصل فرمایند.

## از متن کتاب :

عمل رسانه‌های جمعی و یا دستگاه‌های رسمی فرهنگی و هنری ما در برابر غرب حکایت از نحوی انفعال سرطان‌وار و لاعلاج دارد که با این سخن‌ها و به این راحتی‌ها درمان نمی‌شود .

**تنها تلویزیون بیمار نیست .**



انتشارات سمیع

شهری/بازار بزرگ ری/طبقه اول/پلاک ۴۵/۱

تلفن: ۵۵۹۵۳۸۰۸ تلفکس: ۵۵۹۵۳۸۷۱

همراه: ۰۹۱۲۲۷۶۲۲۳۰-۰۹۱۲۱۰۱۸۷۵۲

WWW.SAMEAPUB.COM  
Info@SAMEAPUB.COM

